



بستن بند امیر به روی زنان؛  
استراتژی ممنوعیت  
تا کجا پیش خواهد رفت؟

۴

# صبح ۸

سال هفدهم  
شماره ۳۹۷۹  
دوشنبه  
۶ سنبله ۱۴۰۲  
۲۸ اگست ۲۰۲۳

روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

پیوندهای روز افزون فساد؛

## در شهرداری‌های طالبان چه می‌گذرد؟



در جریان ماه‌های اخیر گزارش‌های متعددی در مورد فساد طالبان منتشر شده است. هرچند بخش بزرگی از فساد اخلاقی طالبان توسط فرماندهان نظامی آنان انجام می‌شود، اما معلومات نشان می‌دهد که شهرداری‌های این گروه نیز در قضایای فسادهای گسترده اداری و اخلاقی نقش داشته‌اند. منابع در قاریاب به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که داملا محب‌الله موفق، شهردار طالبان برای این ولایت در سرطان سال جاری...

۳

عدالت طالبانی؛

## چرا علمای رسوایی‌های جنسی محاکمه نمی‌شوند؟



۴

نگرانی شورای امنیت؛

## داعش از افغانستان اهداف بین‌المللی را تهدید می‌کند



۳

طالبان:

## از قاچاق حدود ۱۵۰ کیلوگرام مواد مخدر توسط یک شرکت پاکستانی به اوزبیکستان جلوگیری کردیم



مت‌امفامین را در مرز حیرتان-سرخان دریا کشف کرده‌اند. این محموله که ارزش آن حدود ۷۰ میلیون دالر تخمین زده شده بود، از افغانستان بازرگیری و قرار بود در بسته‌های آب انار وارد ازبکستان شود.

۸ صبح، بلخ: مقام‌های محلی طالبان در ولایت بلخ ادعا می‌کنند که این گروه که از قاچاق ۱۴۸ کیلوگرام مواد مخدر نوع خشیش (چرس) به اوزبیکستان جلوگیری کرده‌اند. موسی کلیم‌الله، رئیس گمرک ولایت بلخ روز شنبه، ۴ سنبله، گفته که این مقدار مواد مخدر از بندر حیرتان بدست آمده است. به گفته او، مواد مخدر به‌دست‌آمده در ۴۱ کارتن به‌گونه «ماهرانه» جاسازی و قرار بود توسط یک شرکت پاکستانی به اوزبیکستان منتقل شود. طالبان در مورد بازداشت و نام شرکت پاکستانی متهم به قاچاق این مقدار مواد مخدر چیزی نگفته‌اند. نیروهای مرزبانی اوزبیکستان در ۱۶ ثور، سال جاری نیز اعلام کرده بودند که یک محموله بزرگ

## یک مرد در فراه خودکشی کرد

۸ صبح، فراه: مقام‌های محلی طالبان در فراه از خودکشی یک مرد در این ولایت خبر داده‌اند.

محمدیاسین ابو دجان، ولسوال طالبان برای ولسوالی پرچمن ولایت فراه روز یکشنبه، ۵ سنبله، از خودکشی یک مرد میان‌سال به نام عاطف در این ولسوالی خبر داده است.

به گفته او، این مرد به‌دلیل مشکلات خانوادگی دست به خودکشی زده است. این در حالی است که چندی پیش یک مرد در ولایت غور به‌دلیل فقر خودکشی کرده بود.

با تسلط طالبان در کشور، دامنه فقر به‌گونه بی‌پیشینه‌ای افزایش یافته است و شماری از شهروندان کشور به‌دلیل ناداری و مشکلات اقتصادی دست به خودکشی می‌زنند.

## بنیاد آغاخان اولین مسجد مسلمانان در غزنی را بازسازی می‌کند



۸ صبح، غزنی: بنیاد فرهنگی آغاخان کار مقدماتی بازسازی مسجد تاریخی باباجی در غزنی را آغاز کرد.

ریاست اطلاعات و فرهنگ تحت مدیریت طالبان در غزنی روز یکشنبه، ۵ سنبله، با نشر خبرنامه‌ای از آغاز کار بازسازی مسجد تاریخی باباجی از سوی بنیاد فرهنگی آغاخان در این ولایت خبر داده است.

در این خبرنامه به نقل از فضل‌کریم احمدی، رئیس هیات دفتر بنیاد فرهنگی آغاخان در غزنی آمده که این بنیاد در سال روان کارهای مقدماتی استحکام‌بندی این مسجد را روی دست گرفته است تا در زمستان پیش‌رو، از احتمال فروریزی آن جلوگیری شود.

وی افزوده که پلان بازسازی مکمل این مسجد را برای آغاز سال آینده روی دست است.

گفتنی است که مسجد تاریخی باباجی یکی از بناهای مهم تاریخی در غزنی است.

به گفته مورخان، این مسجد بیش از هزار سال قدمت تاریخی دارد و اولین مسجد در این ولایت است که پس از انتشار دین اسلام در این قلمرو بنا نهاده شده است.

هفت روز پس از آن، آژانس مبارزه با مواد مخدر هند نیز اعلام کرد که در یک عملیات مشترک نیروی دریایی این کشور، یک محموله بزرگ مواد مخدر را که مبدأ آن افغانستان و مقصد آن هند اعلام شده بود، کشف و ضبط کرده است.

مقام‌های این آژانس در یک نشست خبری اعلام کرده بودند که این بزرگ‌ترین محموله مواد مخدر است که تاکنون در هند کشف شده و یک تبعه پاکستان را در پیوند به قاچاق این محموله مت‌امفامین بازداشت کرده‌اند.

طالبان از زمانی که قدرت را در افغانستان تصرف کرده‌اند، بارها ادعا کرده‌اند که براساس توافق‌نامه دوحه، با کشت و قاچاق مواد مخدر قاطعانه برخورد می‌کنند.

اما براساس یافته‌های نهادهای مستقل کشت و تولید مواد مخدر نه‌تنها در افغانستان کاهش نیافته، بلکه افزایش یافته و باعث نگرانی کشورهای منطقه و جهان شده است.

## حوزه عمومی و اعتراضات زنان در افغانستان

تعریف یورگن هارماس از حوزه عمومی، یکی از تلاش‌های اولیه و اساسی علمی برای توصیف و توضیح حوزه عمومی و...



## بارویاهای ما چه کار می‌کنند؟

در یکی از روزهای تابستانی سال ۱۳۹۷ بود که مدام خانه را گز کرده و از این کنج اتاق به آن کنج می‌رفتم...







## شایسته‌سالاری طالبانی و سرافکنده‌گی در سطح ملی

خبر خجالت‌آوری را که درباره غرق شدن شناگر افغان در مسابقات روسیه پخش شد، همه شنیدیم و از آن احساس سرافکنده‌گی کردیم. رخ دادن اشتباه یا حتا اتفاق افتادن شکست بازیگران در مسابقات ملی یا بین‌المللی، امری طبیعی است و کسی به آن اعتراض ندارد؛ اما این که کسی بدون آشنایی حرفه‌ای با یک رشته به‌عنوان چهره ملی آن انتخاب و به مسابقات بین‌المللی گسیل شود، پرده از واقعیت تلخی برمی‌دارد و آن از میان رفتن کامل اصل شایسته‌سالاری و فقدان معیارها و سازوکارهای این کار است. این یعنی این که در حاکمیت طالبان چیزی به نام شایسته‌سالاری به رسمیت شناخته نمی‌شود و به جایش چیزی حاکم است که به اصطلاح محلی «اندیوال بازی» گفته می‌شود و معادل رفیق‌بازی، خویش‌خوری و قوم‌پرستی است.

نظام طالبان مانند دیگر نظام‌هایی که شیرازه‌شان را یک ایدیولوژی بسته و متحجر تشکیل می‌دهد، نمی‌تواند به شایسته‌سالاری تن بدهد. نظام‌های سلطه‌ای با این ویژه‌گی‌ها تنها به سربازان سرسپرده، دنباله‌روان مخلص و نوکران وفادار اهمیت می‌دهند و در آن‌ها، جز به‌سختی، جایی برای انسان‌های توانا، استعدادهای درخشان، نیروهای متخصص، شخصیت‌های باتجربه، دیوان‌سالاران کهنه‌کار و چهره‌های مسلکی نیست. چنین نیروهایی، به کار نظام‌ها و ساختارهایی می‌آیند که به منافع ملی یک کشور متعهد باشند، نه به آرمان‌های ایدیولوژیک یک گروه، آن هم گروهی متعصب و افراطی با پیشینه‌گره‌خورده با جنگ و تفنگ و متکی بر سربازان چشم و گوش‌بسته.

چرا شایسته‌گی به سود گروه‌های ایدیولوژیک افراطی نیست؟ برای این که شایسته‌گی برخاسته از توانایی‌های افراد است، نه از وفاداری‌های حزبی یا سرسپردگی‌های گروهی، و کسانی که صاحب چنین شایسته‌گی‌هایی باشند، دارای عزت نفس و غرور مثبت‌اند و در برابر رهبران و زورمندان سر خم نمی‌کنند و به کارهای خلاف اصول و ضوابط تن نمی‌دهند. شخصیت‌های شایسته و توانا به ارزش‌های مسلکی خود تعهد دارند و تسلیم قانون‌شکنی‌ها و بی‌انضباطی‌ها نمی‌شوند و طبعاً چنین کسانی از نظر نظام‌های چاپلوس‌پرور و تملق‌پسند چهره‌هایی مطلوب به شمار نمی‌روند.

در افغانستان هیچ‌گاه شایسته‌سالاری به نحوی که باید، جا نیفتاد، اما در دوره‌هایی که ثبات نسبی برقرار بود و نظام‌های حاکم از ظرفیت بیشتر و بهتری برخوردار بودند، مثلاً دهه دموکراسی، زمینه بروز استعدادها و درخشش توانایی‌ها برای شمار بیشتری فراهم آمده بود. در دوران جمهوریت نیز، به رغم فساد و نارسایی‌های دیگر، تا حدی زمینه ظهور افراد شایسته مساعد بود. اما در دوره‌هایی که نظام‌های تک‌حزبی حاکم شدند و از همه بدتر در دوران طالبان، شایسته‌گی جای خود را به سرسپردگی داده و اندیوال‌بازی جای شایسته‌سالاری را اشغال کرده است.

از افغانستان امروز یکایک انسان‌های متخصص و آگاه در حال فرار و یا در صدد فرارند و آن تعداد معدود از انسان‌های شایسته که هنوز تاب آورده و قصد تداوم فعالیت در عرصه‌های تخصصی خود را دارند، زیر فشارند؛ زیرا نه سخن‌شان شنیده شود و نه به تخصص‌شان ارجی نهاده می‌شود. جایی که وزیر تحصیلات عالی‌اش معیار ارزش‌دهی را میزان مشارکت در جنگ و سهم‌گیری در ویرانگری بداند، می‌توان وضعیت شایسته‌سالاری را به‌روشنی دریافت. با تداوم این حاکمیت، باید منتظر رسوایی‌های بیشتری، از قبیل آن‌چه در روسیه برای آن شناگر کاذب اتفاق افتاد، باشیم و برای خجالت‌های بیشتر آماده شویم.

## یک عضو پارلمان ایران: داعش پس از شکست در عراق و سوریه برای استقرار افغانستان را انتخاب کرده است



**۸صبح، کابل:** فدا حسین مالکی، عضو مجلس نماینده‌گان جمهوری اسلامی ایران، از حضور داعش در افغانستان ابراز نگرانی کرده و می‌گوید که داعش پس از شکست در عراق و سوریه، برای استقرار افغانستان را انتخاب کرده است. مالکی این اظهارات را روز یک‌شنبه، ۵ سنبله، در صحبت با خبرنگاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران ایران مطرح کرده است. او با بیان این که پس از تسلط طالبان بر افغانستان،

داعش به شکل دیگری در کشور ظاهر شده است، گفت که هیات پارلمانی ایران در سفری به پاکستان با مقامات ارشد امنیتی آن کشور دیدار و نسبت به فعال شدن مجدد داعش هشدار داده‌اند. وی تصریح کرد: «در این نشست تصمیم گرفته شد که با طالبان افغانستان در این مورد مذاکراتی انجام شود، چرا که قدرت گرفتن مجدد داعش با حمایت امریکا در افغانستان، منطقه و دنیا را با بحران امنیتی جدیدی مواجه می‌کند.» نماینده‌گان ایران در حالی از حضور داعش در افغانستان نگرانی می‌کنند که در یک سال گذشته، دو حمله مسلحانه در زیارت‌گاه شاه‌چراغ شیراز رخ داده و مسوولیت هر دو رویداد را داعش خراسان به عهده گرفته است.

از سوی هم، شماری از نماینده‌گان دیگر پارلمان ایران به تازه‌گی به کابل آمدند و با امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه طالبان دیدار کرده‌اند. متقی در این دیدار با نماینده‌گان مجلس ایران مدعی شده است که این گروه، داعش را در افغانستان از بین برده‌اند.

## عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ایران: طالبان بخش کوچکی از افغانستان هستند



**۸صبح، کابل:** فداحسین مالکی، نماینده مردم زاهدان در مجلس نماینده‌گان ایران و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی این مجلس می‌گوید که طالبان بخش کوچکی از افغانستان هستند.

خبرگزاری عصر یک‌شنبه‌شب، ۵ سنبله، گزارش داده که فداحسین مالکی از مقام‌های ایرانی خواسته است تا برای متقاعدسازی طالبان به پرداخت حقه‌ای این کشور از رود هیرمند، برق و آب وارداتی ایران به ولایت‌های غربی افغانستان را قطع کنند.

مالکی افزوده است: «راهکارهای مختلفی برای مقابله با طالبان داریم چون ما هم آب و هم برق به ولایت‌های هم‌جوار مرزی مان در افغانستان می‌دهیم. سفارت افغانستان در شرایطی در ایران باز شد که موجی از مخالفت‌ها در کشور شکل گرفت. ما چاره‌ای نداریم و باید برخی گزینه‌ها را برای مقابله با طالبان اجرایی کنیم.»

وی تصریح کرده است که طالبان اراده برای پرداخت حقه‌ای ایران از رود هیرمند ندارند.

این نماینده مردم خاطر نشان کرده است: «ما در مجلس اعتقاد داشتیم که طالبان اراده‌ای برای پرداخت حقه‌ای ایران از هیرمند ندارند، ولی نظر

برخی از دوستان در خارج از مجلس عکس بود و حالا این موضوع به همه ثابت شده است.» این عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ایران خواستار تجدید نظر در روابط کشورش با رژیم طالبان در افغانستان شده است. این در حالی است که چند روز پیش محسن روحی صفت، دیپلمات پیشین ایران در افغانستان در مورد حقه‌ای این کشور گفت، تصویرهای هوایی نشان می‌دهند که در مسیر منشا آب تا مرز ایران زمین‌هایی که بیشتر خشک بودند به مزارعی سرسبز تبدیل شده‌اند و مواد مخدر هم حتا در این مزارع کشت می‌شود.

با خواست‌های مکرر مقام ایرانی مبنی بر پرداخت حقه‌ای این کشور از رود هیرمند، طالبان می‌گویند که آب کافی برای پرداخت حقه‌ای وجود ندارد.

## ادعای جبهه آزادی: سه جنگجوی طالبان را در لغمان و قندهار کشتیم

**۸صبح، کابل:** جبهه آزادی افغانستان ادعا کرده است که در پی دو حمله جداگانه نیروهای این جبهه بر مواضع طالبان در ولایت‌های لغمان و قندهار، دست کم سه جنگجوی طالبان کشته و هفت تن دیگر این گروه زخمی شده‌اند.

جبهه آزادی افغانستان با نشر خبرنامه‌ای گفته است که در نتیجه حمله حوالی ساعت ۱۱:۲۰ شب‌شنبه، ۴ اسد، نیروهای این جبهه بر یک پاسگاه طالبان موسوم به «شادو چلمس» در ولسوالی دولت‌شاه ولایت لغمان، دست کم دو جنگجوی طالبان کشته و سه تن دیگرشان زخمی شده‌اند.

این جبهه در یک خبرنامه دیگر نیز از حمله نیروهایش بر یک قرارگاه طالبان در ولایت قندهار خبر داده و گفته است که در نتیجه این حمله دست کم یک جنگجوی طالبان کشته و چهار

عضو دیگر این گروه زخمی شده‌اند. بر بنیاد خبرنامه، این حمله حوالی ساعت ۲:۰۰ پس از چاشت روز شنبه، ۴ سنبله، در دوراهی پنجواپی-میرویس مینه از مربوطات حوزه هفتم شهر قندهار انجام شده است.

طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. چهارشنبه‌شب، ۱ سنبله، نیز جبهه آزادی افغانستان از حمله مسلحانه نیروهای این جبهه بالای جنگ‌جویان طالبان مستقر در دروازه کابل - پروان خبر داده بود.

بر بنیاد ادعای این جبهه، در پی این حمله دست کم دو جنگجوی طالبان کشته و پنج عضو دیگر این گروه زخمی شده‌اند.

باشنده‌گان محل نیز صدای درگیری در نزدیکی دروازه کابل - پروان را شنیده بودند.

## دیدهبان حقوق بشر ممنوعیت زنان از رفتن به بند امیر را بی‌احترامی خواند

**۸صبح، کابل:** دیده‌بان حقوق بشر در واکنش به ممنوع کردن زنان از رفتن به بند امیر در بامیان توسط طالبان، آن را «بی‌احترامی کامل» به زنان افغانستان خواند.

فرشته عباسی، پژوهش‌گر بخش آسیا در دیده‌بان حقوق بشر روز شنبه، ۴ سنبله، با نشر پیامی در شبکه ایکس نوشته است: «این یک بی‌احترامی کامل به زنان افغانستان است. خیلی بد و ناخوشایند.»

وی نوشته است: «در روز برابری زنان، طالبان اکنون دستور جدیدی صادر کرده است. زنان نمی‌توانند از بند امیر دیدن کنند، این مکان باشکوه در ولایت بامیان افغانستان، شهر صلح و عشق.»



در همین حال، ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل برای افغانستان نیز در واکنش به این موضوع با نشر پیامی گفته است: «لطف کسی توضیح دهد که چرا این محدودیت برای بازدید زنان از بند امیر برای رعایت شریعت و فرهنگ افغانستان ضروری است؟»

این در حالی است که محمدخالد حنفی، سرپرست وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان روز گذشته در سفرش به بامیان گفت که پس از این زنان اجازه رفتن به بند امیر را ندارند.

حنفی علت این تصمیم را «رعایت نکردن حجاب توسط زنان» عنوان کرده است.

با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، این گروه محدودیت‌های زیادی را علیه زنده‌گی اجتماعی دختران و زنان وضع کرده است.

## آغاز کار ساخت یک مکتب به هزینه شخصی مردم در ولسوالی جغتوی غزنی



**۸صبح، غزنی:** منابع محلی در غزنی از آغاز کار ساخت یک مکتب در ولسوالی جغتوی این ولایت خبر می‌دهند که هزینه ساخت آن از سوی مردم پرداخته می‌شود.

منابع از این ولایت روز یک‌شنبه، ۵ سنبله، می‌گویند که این مکتب در روستای بالا سرده ترگان ولسوالی جغتو به هزینه ۳.۵ میلیون افغانی ساخته می‌شود.

این مکتب در یک منزل دارای شش صنف درسی و دیگر ملحقات بوده که با تکمیل کار ساخت آن به بیش از یک هزار دانش‌آموز زمینه آموزش فراهم می‌شود.

این در حالی است که پیش از این دانش‌آموزان این مکتب به دلیل نبود صنف درسی در فضای باز مصروف آموزش بودند.

باشنده‌گان این ولسوالی چندی پیش نیز یک مکتب هشت صنفی را به هزینه پنج میلیون افغانی در روستای پایین سرده ترگان اعمار کرده بودند.



# داعش از افغانستان اهداف بین‌المللی را تهدید می‌کند



امین کاوه

شورای امنیت سازمان ملل متحد از پیچیده‌تر شدن حمله‌های شاخه خراسان داعش در افغانستان، ابراز نگرانی کرده است. اعضای این شورا، تاکید کرده‌اند که ظرفیت‌های عملیاتی گروه داعش خراسان

در افغانستان تقویت شده است. شورای امنیت سازمان ملل گفته است که شاخه خراسان داعش، حمله‌های خود را علیه طالبان و اهداف بین‌المللی در افغانستان، افزایش داده است. به گفته این شورا، افزون بر داعش، حدود ۲۰ گروه مختلف تروریستی دیگر در این کشور فعالیت دارند. با این حال، رییس دفتر مبارزه با تروریسم سازمان ملل گفته که وضعیت در افغانستان به‌طور فزاینده پیچیده‌تر شده و ترس از افتادن سلاح و مهمات به دست تروریست‌ها در حال تحقق یافتن است. او همچنان افزوده که اقدام‌های سرکوب‌گرانه طالبان و وضعیت وخیم بشری، تهدیدات جدی را برای منطقه و فرمانطقه به میان آورده است. طبق یک گزارش واشنگتن پست، افغانستان در زیر سلطه طالبان به مرکز هماهنگی مهم برای دولت اسلامی (داعش) تبدیل شده است.

شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌تازگی در مورد حضور داعش در افغانستان و افریقا نشست ویژه‌ای را برگزار کرده است. اعضای این شورا، حمله‌های شاخه خراسان داعش در افغانستان را پیچیده توصیف کرده‌اند. به گفته آنان، داعش ظرفیت‌های عملیاتی خود را تقویت بخشیده و حمله‌هایش را علیه طالبان و اهداف بین‌المللی افزایش داده است.

ولادیمیر ورونکوف، رییس دفتر مبارزه با تروریسم سازمان ملل، گزارش تازه دبیرکل این سازمان درباره تهدیدات داعش در افغانستان و افریقا به شورای امنیت سازمان ملل را ارایه کرده است. او گفته است که وضعیت در افغانستان به‌طور فزاینده پیچیده‌تر شده و نگرانی‌ها از افتادن سلاح و مهمات به دست تروریست‌ها افزایش یافته است. این مقام سازمان ملل، تصریح کرده که با بلند رفتن ظرفیت‌های عملیاتی داعش شاخه خراسان، وضعیت افغانستان پیچیده شده است.

رییس دفتر مبارزه با تروریسم سازمان ملل متحد گفته است: «اقدام‌های سرکوب‌گرانه طالبان، حضور و فعالیت ۲۰ گروه مختلف تروریستی در افغانستان و نبود توسعه پایدار و وضعیت وخیم بشری، چالش‌های



مهمی برای منطقه و فراتر از آن به میان آورده است.» وی همچنان تاکید کرده که مقابله و جلوگیری از تروریسم، مستلزم تعهد بلندمدت و تلاش‌های مداوم و هماهنگ جامعه جهانی است. ورونکوف تصریح کرده است: «در نتیجه تلاش‌های ضد تروریسم، داعش به دنبال الگوبرداری از القاعده، با افزایش خودمختاری عملیاتی توسط گروه‌های وابسته به آن، ساختارهای کمتر سلسله‌مراتبی و شبکه‌ای و غیرمتمرکز را اتخاذ کرده است.»

در همین حال لیندا توماس گرینفیلد، نماینده آمریکا در سازمان ملل و رییس کنونی شورای امنیت، گفته که افغانستان نباید به پناهگاه امن گروه‌های هراس‌افکن، از جمله القاعده و داعش، مبدل شود. او افزوده است: «گروه‌هایی که قصد حمله بر کشورهای منطقه را دارند، حملات وحشت‌ناکی را در افغانستان و پاکستان انجام داده‌اند.»

از سوی دیگر، ماریا زابلوتسکایا، معاون نماینده روسیه در شورای امنیت سازمان ملل متحد، از ایالات متحده و هم‌پیمانان غربی‌اش به دلیل سلاح و تجهیزات نظامی برجامانده از آن‌ها در افغانستان، انتقاد کرده است. او گفته که این سلاح‌ها اکنون در دست تروریست‌ها قرار دارد و این امر تهدیدی برای کشورهای منطقه است.

جیمز کاربوکی، معاون نماینده‌گی دایمی بریتانیا در سازمان ملل متحد اما هشدار داده است که شاخه خراسان داعش این ظرفیت را دارد که حمله‌هایی را علیه اهداف غیرنظامی و بین‌المللی در داخل افغانستان انجام دهد. او با اشاره به عزم داعش برای حمله‌های برون مرزی از خاک افغانستان، خاطرنشان ساخته که برای مقابله با این گروه، نیاز به واکنش جمعی و تلاش‌های مشترک جهانی است.

شورای امنیت سازمان ملل متحد پیش از این نیز در چهاردهمین گزارش تحلیلی خود در مورد افغانستان،

## شورای امنیت سازمان ملل

### متحد به‌تازگی در مورد

### حضور داعش در افغانستان

### و افریقا نشست ویژه‌ای را

### برگزار کرده است. اعضای این

### شورا، حمله‌های شاخه خراسان

### داعش در افغانستان را پیچیده

### توصیف کرده‌اند. به گفته آنان،

### داعش ظرفیت‌های عملیاتی خود

### را تقویت بخشیده و حمله‌هایش

### را علیه طالبان و اهداف

### بین‌المللی افزایش داده است.

افزایش فعالیت‌های داعش در افغانستان، یکی از نگرانی‌های جدی منطقه و جهان در دو سال گذشته بوده است. پیش از این، ایمان‌قلی تاسماگامبتوف، دبیر کل سازمان پیمان امنیت جمعی، از افزایش گروه‌های تروریستی در کشور هشدار داده است. او در نشست‌های گفته که گروه‌های تروریستی در خاک افغانستان در حال تقویت مواضع خود هستند.

علاوه بر کشورهای منطقه، مقام‌های امنیتی آمریکا نیز از حضور داعش در افغانستان نگرانی کرده‌اند. چند ماه قبل جنرال مایکل کوربلا، رییس ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) در کمیته دفاعی مجلس سنای این کشور گفت که داعش در افغانستان تنها شش ماه از دست‌یابی به قابلیت حمله‌های خارجی فاصله دارد.

از سوی دیگر، جبهه مقاومت ملی گفته است که افغانستان به پناهگاه امن هراس‌افکنی تبدیل شده است. این جبهه افزوده است: «عملاً تمام گروه‌های تروریستی به قدرت عملیات‌های بیرون مرزی از افغانستان دست یافته‌اند. به تسلیحات و تجهیزات پیش‌رفته نظامی دست پیدا کرده‌اند.»

طالبان اما بارها ادعا کرده‌اند که با روی کار آمدن این گروه، امنیت سراسری در افغانستان تأمین شده است. سخنگویان این گروه گفته‌اند که از افغانستان بر ضد کشورهای دیگر استفاده نخواهد شد، در حالی که گروه داعش مسوولیت چندین حمله بیرون مرزی از خاک افغانستان در کشورهای آسیای میانه را برعهده گرفته است.

گفتنی است که ایران به‌عنوان یکی از هم‌پیمانان منطقه‌ای طالبان نیز از حضور داعش در افغانستان ابراز نگرانی کرده است. در تازه‌ترین مورد، فداحسین مالکی، عضو مجلس شورای اسلامی و سفیر سابق ایران در کابل، نسبت به حضور داعش در افغانستان هشدار داده است. او گفته که این گروه پس از شکست در عراق و سوریه، افغانستان را محلی برای انجام فعالیت‌های خود انتخاب کرده است. مقام‌های ایرانی قبلاً نیز گفته‌اند که فرماندهان ارشد داعش از عراق و سوریه به افغانستان آمده‌اند.

پیشتر یافته‌های روزنامه ۸صبح نیز نشان می‌داد که در کمتر از دو سال گذشته، ۸۸۱ تن که بیشترشان غیرنظامی بودند، در حمله‌های داعش کشته و یک هزار و ۴۹۲ تن دیگر زخمی شده‌اند. داعش خراسان از زمان آغاز حاکمیت دوباره طالبان، مسوولیت دست‌کم ۵۷ حمله را برعهده گرفته است. همچنان انستیتوت صلح ایالات متحده در گزارشی گفته است که از زمان بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان، تهدید ناشی از تروریسم در منطقه افزایش یافته است. طبق گزارش واشنگتن پست، پس از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان، این کشور به مرکز هماهنگی مهم برای دولت اسلامی (داعش) تبدیل شده است.

از حضور و افزایش فعالیت‌های بیش از ۲۰ گروه تروریستی به شمول داعش و القاعده در افغانستان، ابراز نگرانی کرده است. در این گزارش، آمده که خطر تروریسم در افغانستان و منطقه در حال افزایش است و تروریست‌ها از آزادی بیشتر برخوردار شده‌اند. براساس این گزارش، داعش بین چهار تا شش هزار جنگ‌جو در افغانستان دارد. در این گزارش تاکید شده که علاوه بر حضور داعش، رهبران ارشد القاعده نیز در افغانستان به سر می‌برند.

براساس آمارهای این سازمان، تنها در یک سال حاکمیت طالبان یک هزار و ۱۵۳ غیرنظامی در نتیجه حمله‌های داعش در افغانستان کشته و زخمی شدند. در عین حال، در دو سال گذشته، چندین مقام طالبان نیز در حمله‌های انتحاری داعش کشته شده‌اند. داوود زمزل، از مقام‌های ارشد این گروه بود که در دفتر کارش در ولایت بلخ توسط یک مهاجم انتحاری داعش کشته شد.

## پرونده‌های روزافزون فساد؛

# در شهرداری‌های طالبان چه می‌گذرد؟

کج اسماعیل سادات

فاریاب به روزنامه ۸صبح می‌گویند که داملا محب‌الله موفق، شهردار طالبان برای این ولایت در سرطان سال جاری به اتهام فساد مالی توسط اداره استخبارات این گروه بازداشت و زندانی شده است. به گفته منبع، طالبان پس از بازداشت وی، محافظانش را خلع سلاح کرده‌اند. یک منبع دیگر افزود که شهردار طالبان برای فاریاب در جریان دو سال کارش، بخش‌هایی از زمین‌های دولتی در این ولایت را فروخته و از مالکان شهرک‌ها و خانه‌های غیردولتی نیز رشوه گرفته است. پیشتر ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، بازداشت محب‌الله موفق را به رسانه‌ها تایید کرده و گفته بود که تحقیقات در پیوند به اتهامات علیه او ادامه دارد.

ادامه در صفحه ۵

شهردار طالبان در ولسوالی علی‌آباد کندز به‌دلیل دریافت رشوه از مردم و لتوکوب آنان، از سوی اداره استخبارات طالبان بازداشت شده بود. همچنان این اداره شهردار ولسوالی برکه بغلان را در پی تجاوز جنسی بر یک زن، به‌گونه بالفعل بازداشت کرده است. گفتنی است که طالبان تا کنون به‌گونه پیهم بر محو فساد در اداره‌های زیر کنترل‌شان تاکید و از آن به‌عنوان دستاورد خود یاد می‌کنند.

در جریان ماه‌های اخیر گزارش‌های متعددی در مورد فساد طالبان منتشر شده است. هرچند بخش بزرگی از فساد اخلاقی طالبان توسط فرماندهان نظامی آنان انجام می‌شود، اما معلومات نشان می‌دهد که شهردارهای این گروه نیز در قضایای فسادهای گسترده اداری و اخلاقی نقش داشته‌اند. منابع در



که یک جاده را در بدل دهه‌ها هزار افغانی به کوچی‌ها کرایه داده و پول آن را به جیب زده است. پیشتر

هم‌زمان با همه‌گانی شدن قضایای فساد اخلاقی فرماندهان طالبان، منابع از فساد گسترده اداری و اخلاقی شهرداری‌های این گروه در برخی از ولایت‌ها و ولسوالی‌ها خبر می‌دهند. براساس معلومات، در جریان سال جاری شهردار طالبان در سرپل به‌دلیل دریافت رشوه، در ساختمان ولایت لتوکوب و سپس بازداشت شده است. همچنان شهردار طالبان در ایبک به دلیل فروش زمین‌های دولتی و دریافت رشوه از مالکان شهرک‌ها در سمنگان، بازداشت شده است و در زندان به سر می‌برد. منابع دیگر می‌گویند که شهردار طالبان در غزنی در بدل اعمار خانه‌های غیرقانونی، پول دریافت می‌کند. او متهم شده است





**مولوی خالد حنفی در  
بامیان در مورد دلیل  
ممنوعیت ورود زنان  
به بند امیر می‌گوید  
که این تصمیم را  
«علمای کرام» هم  
می‌خواهند، ملت  
هم می‌خواهد،  
«امیر المومنین» هم  
«هدایت می‌کند» و  
حکم الهی هم است.**

کلمه محمدعلی نظری



دو روز پیش مولوی محمدخالد حنفی، وزیر امر به معروف و نهی از منکر طالبان، به بامیان سفر کرد و در میان اعضای گروه طالبان در آن ولایت سخنرانی نمود. در آن سخنرانی، ممنوعیت تازه‌ای بر زنان وضع کرد و گفت که پس از این، آنان نمی‌توانند به پارک ملی بند امیر برای گردش بروند. او هرچند گفت که سیاحت بکنید، اما در ادامه جمله‌اش افزود که سیاحت نه واجب است و نه سنت. بنابراین، او به‌گونه تلویحی با نفس گردشگری نیز مخالفت کرد که از اداره‌ای نظیر طالبان انتظار آن می‌رود.

مولوی خالد حنفی از افراد نزدیک به ملا هبت‌الله آخوندزاده است. او نهادی را مدیریت می‌کند که در ساختمان سابق وزارت امور زنان ایجاد شده است. ساختمانی که از آن بیست سال تمام برای بهتر شدن شرایط زنان و رعایت حقوق اساسی و انسانی آن‌ها طرح و برنامه بیرون می‌آمد و به بهتر شدن وضع زنان کمک کرده بود، در دو سال اخیر پیوسته محدودیت‌ها بر زنان از همان ساختمان وضع می‌شود. راهی که در همان ساختمان با همکاری نهادهای دیگر از جمله کمیسیون حقوق بشر، پارلمان و همه نهادهای دولتی طی شده بود، اکنون از همان ساختمان با همکاری نهادهای دولتی به سمت معکوس طی می‌شود. شخص خالد حنفی هم به‌عنوان یکی از افراد نزدیک به ملا هبت‌الله، صلاحیت‌های بسیاری از سوی رهبر طالبان در اختیار گرفته است. این صلاحیت‌ها، به حوزه عمومی و اداری محدود نمی‌شود. برخی از آن‌چه ملا هبت‌الله به خالد حنفی صلاحیت داده، به حوزه خصوصی مردم مرتبط است. یکی از عجیب‌ترین ممنوعیت‌های طالبانی، منع فروش وسایل جلوگیری از بارداری زنان است. هرچند این دستور به‌گونه صریح از سوی طالبان اعلام نشده، اما دوافروشان از کابل و هرات به رسانه‌ها گفته‌اند که نیروهای طالبان آن‌ها را از عرضه این وسایل منع کرده‌اند. بدیهی است که چنین دستورهایی از

قندهار می‌آید و از مسیر وزارت امر به معروف طالبان می‌گذرد.

مولوی خالد حنفی در بامیان در مورد دلیل ممنوعیت ورود زنان به بند امیر می‌گوید که این تصمیم را «علمای کرام» هم می‌خواهند، ملت هم می‌خواهد، «امیرالمومنین» هم «هدایت می‌کند» و حکم الهی هم است؛ در حالی که هیچ دین و آیینی تفریح کردن را منع نمی‌کند. مردم افغانستان هم اگر می‌خواستند تفریح نکنند، حتماً با خرج کردن پول به تفریح نمی‌رفتند. باری طالبان از افزایش گردشگری داخلی در بامیان خبر دادند که نشان از محبوبیت‌های مردم داشت و آن‌جا را آخرین گزینه می‌دانستند. همان مردمی که آمار گردشگران داخلی در بامیان را افزایش داده‌اند، مردم افغانستان هستند. آن‌ها اگر مخالف تفریح می‌بودند، تفریح نمی‌کردند. آن‌ها طالب نیستند که ادعا کنند مخالف رشوت و فساد اخلاقی‌اند، اما خود تا حلق در آن لجن‌زار فرو رفته باشند.

طالبان که در مورد بارداری زنان تصمیم می‌گیرند، همه نیروی‌شان را بر وضع محدودیت بر زنان و بدتر کردن وضعیت انسانی در جامعه به خرج می‌دهند. در امارت طالبانی، منافع و خواست مردم بهایی ندارد. یک اقلیت کوچک حاکم بر سرنوشت مردم، مطابق میل خود پیوسته برای به عقب کشیدن جامعه محدودیت وضع می‌کند تا این‌گونه پایان رژیم بنیادگرایی خود را به تاخیر بیندازد. با این حال، آن‌ها در مورد تخلفات نیروهای خود هیچ‌گونه واکنشی نشان نمی‌دهند. این روزها که به گزارش رسانه‌ها و روایت مردم، افراد طالبان در دزدی‌های مسلحانه و قتل‌های مرموز دست دارند، هیچ‌گونه اقدام تنبیهی از سوی رهبری طالبان در دستور کار قرار نمی‌گیرد. رسوایی‌های جنسی این گروه که اخیراً رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی را بند انداخته و سوژه طنزی و انتقادی جامعه شده، نیز واکنش جدی رهبری طالبان را برنیزینگیخته است. در حالی

## بستن بند امیر به روی زنان؟

# استراتژی ممنوعیت تا کجا پیش خواهد رفت؟

بند امیر به روی زنان را نیز همین‌گونه همراهی خواهند کرد. اگر این نهادها گاهی اعلامیه‌هایی در محکومیت ممنوعیت‌های طالبان صادر کرده، آن اعلامیه‌ها پوچ و فاقد ضمانت اجرایی بوده‌اند. بنابراین، اکنون نیز امیدی به مدعیان دفاع از حقوق بشر نمی‌توان بست.

با توجه به این‌که مردم افغانستان نیز مجبوریت‌ها و مشکلاتی دارند، از جمله فقر گسترده و بیکاری و مدتی دیگر نیز محدودیت‌های روزافزون طالبانی را تحمل خواهند کرد. این گروه هم پیوسته به دنبال این می‌گردد تا ببیند مردم افغانستان در کجا می‌توانند نفس راحت‌تر بکشند تا آن‌جا را هم ببندند. دشوار کردن زنده‌گی مردم، استراتژی طالبان برای درگیر کردن آن‌ها با مسایل اولیه مانند نان و سرپناه است تا فرصت سیاسی اندیشیدن و مطالبه حقوق خود را نیابند. از آن‌جایی که بقای طالبان با محدودیت، شلاق، سیلی و تفنگ گره خورده است، اگر مردم فرصت بیابند، شاید نخستین خواست آن‌ها حذف این موارد باشد. حذف این مشخصه‌ها، پایان رژیم طالبانی است. اگر تفنگ و شلاق و شکنجه و سیلی و محدودیت‌ها را از گروه طالبان حذف کنیم، دیگر طالبی به معنای امروزی خود وجود نخواهد داشت. طالب با همین محدودیت‌ها معنا پیدا می‌کند و رژیم طالبان با همین سیلی زدن‌ها، کشتارها و شکنجه‌ها تداوم می‌یابد.

این استراتژی اما نمی‌تواند برای همیشه کارساز باشد. شاید این محدودیت‌ها در کوتاه‌مدت بتوانند ثبات رژیم طالبان را تضمین کند، اما در نهایت خودویرانگر است و مردم را در برابر این گروه به میدان می‌کشد. وقتی مردم مجبور شوند، دیگر حتماً اگر از گرسنه‌گی در حال جان دادن باشند هم علیه عامل وضعیت قد علم خواهند کرد. نمونه آن را دیروز در جاده‌های کابل دیدیم که مردم یک مامور طالبان را در جاده‌ها لت‌وکوب کردند. وقتی استراتژی دستورها و دخالت‌ها و ممنوعیت‌های طالبانی جامعه را بیش از این به تنگ آورد، به مرحله خودویرانگری می‌رسد و آن وقت است که به نفع جامعه و علیه طالبان تمام خواهد شد. طالبان تا رسیدن به آن مرحله، هر منفذی را به روی زن و مرد افغانستان خواهند بست و محدودیت‌های بیشتری وضع خواهند کرد.

که مردم افغانستان به دلیل کوتاه کردن ریش خود از سوی ماموران «امر به معروف و نهی از منکر» طالبان سیلی می‌خورند، لواطت و تجاوز جنسی مقام‌های این گروه شدیدترین واکنشی را که برمی‌انگیزد، برکناری از مقام است تا چند روز بعد در مقامی دیگر ماموریت بگیرند یا دوباره به وظیفه سابق گماشته شوند. اگر چنین جرایمی از سوی شهروندان صورت بگیرد یا حتا ادعایی در این مورد وجود داشته باشد، در محاکمه‌های صحرایی طالبان برای آن‌ها احکامی مانند زیر دیوار کردن صادر خواهد شد.

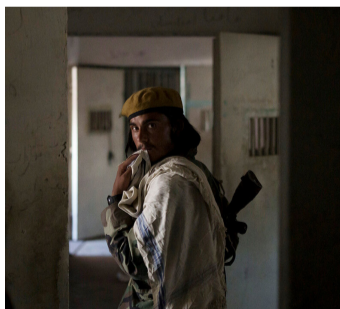
تخلفات اعضای گروه طالبان جامعه را به ابتذال کشانده و امنیت جانی و روانی مردم را نابود کرده است. مقام‌های این گروه آدم‌کشی، غارت اموال مردم، رشوه‌گیری، فروش تذکره و پاسپورت در بازار سیاه، دزدی‌های مسلحانه و تجاوز جنسی اعضای خود را منع و بر استخدام و فعالیت ملاحی ناآشنا با جامعه و اداره محدودیت وضع نمی‌کنند، اما پیوسته به بهانه حجاب بر زنان محدودیت وضع می‌کنند. در یکی دو سال اخیر که طالبان پارک‌ها را در شهرها به روی زنان بسته‌اند، تنها جایی که آن‌ها می‌توانستند بروند، پارک ملی بند امیر بود. خانواده‌ها آن‌جا می‌رفتند تا ساعاتی و روزهایی از مشکلات اجتماعی‌ای که اغلب ناشی از حاکمیت یک گروه تروریستی بر کشور است، فارغ باشند، اما همین گروه چنین امکانی را نیز از روی آن‌ها گرفته است. در دو سال اخیر، خصوصاً سال جاری، خانواده‌های بسیاری را در فضای مجازی می‌دیدیم که به بند امیر رفته و عکس و ویدیو گرفته‌اند. دلیل آن، بسته بودن مکان‌های تفریحی دیگر به روی زنان بود. وقتی خانواده‌ها نتوانند در شهرهای خود تفریح کنند، راه بامیان در پیش می‌گرفتند تا دمی بیاسایند. از سویی، با توجه به وضع محدودیت‌های گسترده و فشار روانی شدید بر شهروندان از سوی طالبان، نیاز به تفریح بسیار جدی‌تر از هر وقت دیگر است.

طالبان که همه حقوق بشری زنان و مردان افغانستان را نقض و زیر پا کرده‌اند، بستن بند امیر به روی زنان نیز تعجب کسی را برنمی‌انگیزد. جامعه جهانی و مدعیان دفاع از حقوق بشر، از جمله سازمان ملل متحد، نیز وقتی محدودیت‌های قبلی طالبان را با ساده‌انگاری و بی‌مبالاتی همراهی کردند، بستن

## عدالت طالبانی؛

# چرا عاملان رسوایی‌های جنسی محاکمه نمی‌شوند؟

کلمه مزدک پارسی



دخیل است؛ اما باورهای ایدئولوژیک در هر عرصه‌ای نقش مرکزی و اساسی بازی می‌کنند و نمی‌توان از اثرگذاری آن‌ها چشم‌پوشی کرد. پس، هر عیب که هست تنها در افراد نیست، ایدئولوژی‌ای که آدم‌ها به آن باورمندند نیز در ذات خود پر از عیب و ایراد است. حالا اگر با این پیش‌فرض نظری به طالبان نگاه کنیم، تفکر طالبانی با آن که اکت انزجارآور مبارزه با فساد از بقیه بیشتر است، به‌شدت از فسادزده‌گی رنج می‌برد. این فساد اخلاقی حتا از محیط آموزشی آن‌ها برمی‌خیزد؛ جایی که کودکان، قربانی سوءاستفاده‌های جنسی ملاهای هوس‌باز و شهوت‌ران می‌شوند. ایدئولوژی طالبانی اما به‌حدی ریاکار و دوروست که این واقعیت بد نظم مدرسه‌ای را با پررویی تمام انکار می‌کند. ایدئولوژی بدوی و منحط طالبانی برای این که ظرفیت بالای فسادپذیری‌اش را پنهان کند، مجازات سنگینی را برای مرتکبان فساد اخلاقی و روابط خارج از ازدواج در نظر گرفته و در دادگاه‌های صحرایی‌اش نیز نمایش‌های نفرت‌آوری را برای ایجاد ترس در جامعه راه‌اندازی می‌کند.

ادامه در صفحه ۷

گروه‌های ایدئولوژیک همواره با تکیه بر این سفسطه‌بازی سعی می‌کنند ایدئولوژی خودشان را که به باور آنان مقدس، خطاناپذیر و فاسدنشدنی است، از زیر آوار شکست‌های بزرگ تاریخی نجات دهند. در حالی که تمام ایدئولوژی‌ها از فسادزده‌گی بالایی برخوردارند و افراد باورمند به آن‌ها نیز به این دلیل دست به فساد می‌زنند که ایدئولوژی مورد نظر، ظرفیت فسادناپذیری بسیار پایینی دارد و یا هم خودش آلوده با فساد است و صرفاً اکت فسادناپذیری از خود بروز می‌دهد. درست است که شخصیت فردی نیز در بروز اشتباه، خیانت و فساد

دارند، باید بیدارگر و آگاهی‌بخش باشد. البته هنوز هم شمار آثانی که این رسوایی‌های اخلاقی را تافته جداافتاده از کلیت گروهی به‌نام طالبان دانسته و به این ترتیب، رهبری گروه را مبرا از فساد و خیانت می‌دانند، کم نیست. به باور آنان، گروه طالبان «به ذات خود ندارد عیبی، هر عیب که هست» در اعضای این گروه است. این یک سفسطه قدیمی و تکراری است. گروه‌های ایدئولوژیک زمانی می‌توانند مشروعیت مردمی از دست‌رفته خود را احیا کنند که اشتباهات انجام شده را کار افراد وابسته و وفادار به ایدئولوژی‌شان بدانند نه برخاسته از ماهیت اصلی آن ایدئولوژی.

در حالی که گروه طالبان بیش از هر عرصه دیگر، روی اخلاق جامعه و «اصلاح» آن تأکید دارد و برای تطبیق ارزش‌های اخلاقی مورد نظرش، زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت افغانستان را به بند کشیده است، این روزها تشنه رسوایی جنسی اعضایش یکی پی دیگر به زمین می‌خورد. رسوایی‌های جنسی اخیر مقام‌های طالبان، اگرچه برای کسانی که با فسادزده‌گی و زدالت‌منشی این گروه به‌خوبی آشنا هستند، رویداد تازه و شگفت‌آوری نیست؛ اما برای آثانی که هنوز حسن نیت زیادی نسبت به طالبان



## بارویاهای ما چه کار می‌کنند؟

کگه سودابه سامح



در یکی از روزهای تابستانی سال ۱۳۹۷ بود که مدام خانه را گز کرده و از این کنج اتاق به آن کنج می‌رفتم. انگشت یک دستم روی صفحه موبایل می‌چرخید و ناخن‌های دست دیگرم را می‌جویدم. هفتادوچند ساعت از لحظه‌ای که آغاز به‌شمارش دقایق کرده بودم، گذشته بود. عقربه ساعت روی دو نشانه گرفته بود و من از جایم بلند شده بودم و دوباره نشسته بودم و همان‌طور به مادرم گفته بودم که «قلیم به حلقه رسیده است.» تمام سال‌های آموزشی‌ام، ۱۲ سال مکتب را که در ده سال تمام کرده بودم، از پیش چشم‌هایم صحنه به صحنه رد می‌شد و خانه‌هایی که با کد رشته‌های مناسبی برای آینده‌ام، پر شده بود پیش چشم‌هایم قاب شده بود. فراموش نمی‌شود، ساعت دوونیم بعد از چاشت بود که خیره به صفحه موبایل پیچ کشیدم، بالا و پایین پریدم و به مادرم گفتم: «داکتر می‌شوم.» مادرم رویای نیمه‌جانش را در من کاشته بود. روز اولی که مانتوی مکتب برایم خرید گفت: «ان‌شاءالله یک روزی چنین سفیدت را اتو کنم.» اولین بار که روپوش سفید پزشکی‌ام را دستش گرفت، گفت: «برای دیدن چنین روزی زنده مانده‌ام.» نمی‌خواست ادامه قصه‌اش را زنده‌گی کنم، می‌خواست قصه زنده‌گی‌ام طوری باشد که در آن رویاهایم برای زیستن باشند، نه صرفاً برای بافتن.

گفته بودم: «هنوز اول راه است!» هر قدر من قد کشیدم و دغدغه‌هایم عوض شد، رویاهای مادرم نیز قد کشید و تحول یافت و بزرگ‌تر شد: «خدا کند که جشن فراغتت را ببینم!» رویاهای من به قالب رویاهای او درآمده بود. درآمیخته با هم. نمی‌شد جدای‌شان کرد. در چشم‌های همدیگر، خود را می‌دیدیم، در آینه‌ها هم. سال اول دانشگاه که تمام شد، لوح تقدیر به‌دست، آمدم خانه. به مادرم گفتم: «اول نمره شدم!» و برایش از هدف جدیدم گفتم: «اگر همیشه نمره‌های بالا بگیرم، می‌توانم در دانشگاه تدریس کنم.» دیگر رویای مادرم روزی بود که من فارغ شوم، در مطب خودم کار کنم و استاد دانشگاه بشوم. اطمینان دارم که هر روز، چنان روزی را با خودش مرور می‌کرد. او سختی زنده‌گی زنانه‌اش را بی‌هیچ مردی در کنارش در جامعه مردسالار با فکر روزهای خوب و امید آینده بهتر تحمل می‌کرد. خسته می‌شد، اما به کم‌آوردن نمی‌رسید. می‌گفت: «سختی‌ام یکی دو سال دیگر است. دخترم داکتر می‌شود و هم غم مرا می‌خورد و هم از خواهر و برادرش را. بعد از آن آسوده و راحت زنده‌گی می‌کنم.» هر موفقیتی برایم دو چندان حساب می‌شد. هر شادی دو برابر؛ هر مسوولیتی سنگین‌تر. یک عمر زنده‌گی مادرم روی شانه‌هایم بود، باید درست قدم برمی‌داشتم. هنوز زنده‌گی همان زنده‌گی بود و حکومت همان حکومت. هنوز رویاهایم بزرگ‌تر از ترس‌هایم بود که دل‌بسته ادبیات شدم. روزهای امتحان و غیرامتحان، سرم لای کتاب‌های رمان و شعر بود. یک روز که فردایش امتحان اطفال داشتم، نشستم و ۳۰۰ صفحه کتاب «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» را یک نفس خواندم. نمره‌هایم از ۱۰۰ و ۹۸ رسید به زیر ۹۵. به مادرم گفتم: «می‌خواهم نویسنده شوم.» گفتم: «کتاب بخوان اما یادت نرود که قبل از هر چیزی تو قرار است داکتر شوی.» از میان بی‌شمار توصیه‌های مادرم به این یکی کم‌تر توجه کردم. درس هم می‌خواندم، در کار عملی و کلینیک هم خوب بودم، اما ادبیات زنده‌گی‌ام را در سایه خودش آورده بود. درجه‌ام در صنف که از اول و دوم پایین‌تر آمد، مادرم گفت: «اول

یا دوم؛ تو قرار است داکتر بشوی.» من قرار بود داکتر بشوم. آن روزها نه قلبی می‌شناختم و نه در بسته‌ای. همان شامی که صدای مرمی‌ها در منطقه پیچید و برق قطع شد، مادرم نمازش را سلام داد، جای‌نماز را جمع نکرد و ما را به طبقه پایین و اتاق گوشه برد. قرآن را گرفت بغلش و اشک، قرآن را و پر شالش را خیس کرد. به من نگاه کرد و هرچه امید بود، در موج چشم‌هایش غرق شد. مرمی‌هایی که هوایی فیر می‌شد، می‌خورد به در و دیوار و سقف و پنجره‌های مطبی که مادرم در خیالش برایم ساخته بود. غم سقوط دو چندان بود؛ سرنوشت دانشگاه معلوم نبود؛ خاک کتاب‌های پزشکی‌ام را پوشاند، کتاب‌های ادبیات را بیش‌تر. جایم گوشه خانه بود و خوراکم اشک. دمی اگر پلک روی هم می‌بستم، به لطف قرص‌های خواب بود. داکتر شدن، نویسنده شدن و تدریس زیر آوار سقوط مانده بود. روپوش سفیدم را از روی جالباسی برداشتم، افتاد کنار کتاب‌ها. مادرم مراعات حال مرا می‌کرد، من نه! گریه‌های من جلو چشمش بود، از خودش در خفا.

مثل تمام مادرهای این دوره، مادرم دختر دوره اول طالبان بود. آرزوهایی داشت که در سینه‌اش خاک شده بود. از سر پنج کتاب و خواجه‌حافظ بلندش کردند و نشاندنش روی تخت عروسی؛ کنار مرد بسیار بزرگ‌تر از خودش. برای خودش رویاهایی داشت، قصه می‌کرد: «نقاشی را دوست داشتم. خیلی دلم می‌خواست بتوانم نقاشی کنم.» نقاش نشد، در عوض سوزن گرفت دستش و طرح خامک زد روی پارچه. سر بالا نکرد و کوک زد. قصه‌های کتاب‌ها را برای خودش نه، برای من می‌خواند. خواجه‌حافظش را قايم کرده بود، داد به من. هفت‌ساله بودم که «الا یا ایها الساقی...» می‌خواندم. خودش سقوط و محرومیت را تجربه کرده بود، برای فرزندش نمی‌خواست. سینه‌اش برای زخم عمیق‌تر جای نداشت. پارسال که دانشگاه را باز کردند، چشم مادرم روشن شد. تمام نیرویی که در من مرده بود، جان گرفت. مادرم دوباره روپوش سفیدم را اتو کرد. شب‌هایم با فکر و غصه نه، با درس خواندن تیر می‌شد. پای کتاب خوابم می‌برد. روی کتاب بیدار می‌شدم. کلمه‌ها به من جان می‌دادند. جان گرفته بودم. دوباره رفتم سراغ ادبیات. هرچه بیش‌تر درس طبابت خواندم، بیش‌تر شیفته ادبیات شدم. داکتر می‌شدم برای دل مادرم، نویسنده می‌شدم برای دل خودم. عصرها می‌نشستم بغل هم، چای می‌خوردیم و من از دانشگاه می‌گفتم، از طرح داستانی که می‌نوشتم، از کتابی که می‌خواندم. می‌گفتم: «من یک روزی داستان زنده‌گی‌ات را می‌نویسم.» چای را پیاله به پیاله می‌کرد و می‌گفت: «هر آدمی که در این کشور زنده‌گی می‌کند، یک کتاب است؛ خواننده می‌خواهد فقط.»

مادرم می‌ترسید: «همین سال آخر را هم به خیر تمام کنی.» به سال آخر رسیدم که قفل‌ها تکتیر یافت؛ بزرگ شد و سنگین. ماندم گوشه خانه و داکتر شدن تا اطلاع ثانوی از زنده‌گی‌ام حذف شد و خودم از جامعه. مادرم چشمش پر شد و سینه‌اش سنگین. یک زخم دیگر. ادامه زنده‌گی‌اش را در من می‌دید؛ مرهم و درمانش را. من اگر می‌افتادم، مادرم غرق می‌شد. مادرم اگر غرق می‌شد، تمام این جغرافیا خاک می‌شد و بر سینه‌ام می‌نشست.

برای دل مادرم گفتم: «نگران نباش. این‌طور نمی‌ماند. این بار افسرده نمی‌شوم، می‌نشینم و کتاب می‌خوانم و داستان می‌نویسم.» مادرم که باور کرد، خودم هم به این راه باورمند شدم. از آن روز انگار می‌خواهد شکل و شمایل رویایش را عوض کند. بیکار که می‌بیند مرا، می‌پرسد: «نوشتنت تمام شد؟ چه کار کردی با داستانت؟» بهانه که می‌آورم، شروع می‌کند به توصیه: «همین چهار طرفت را نگاه کن؛ هر طرف یک زن می‌بینی که پر از آدم‌هایی که می‌شناسی بنویس.» گاهی هم در نقش خودش ظاهر می‌شود، در قاب مادر: «مقصد یک کاری بکن مادر! جوانی، انرژی داری، وقت داری، از همین‌ها استفاده کن! هرچه حالی زحمت بکشی، بعداً به درد خودت می‌خورد. نشود خدایی نکرده چند سال بعد حسرت بخوری و بگویی کاش بیش‌تر تلاش می‌کردم. حالا که در همین راه قدم گذاشتی، پیش برو حتماً آهسته! ولی متوقف نشو.» حفظ کردن امید را یادم می‌دهد.

چند وقت پیش نشسته بود پای تلویزیون و گزارشی را در مورد نمایش موزیکال «هزار خورشید تابان» می‌دید. یک‌باره سرش را برگرداند سمت من و گفت: «سودابه، آرزو دارم یک روزی چنین نمایشی از کتاب‌های تو را ببینم.» افتاده‌ام به جان کتاب‌ها، میان کلمه‌ها. کوچ داده‌ام خودم را از پلاس ناامیدی و سیاهی و هراس. در کتاب‌هایی که می‌خوانم و در داستان‌هایی که می‌نویسم زنده‌گی می‌کنم، نه در این جغرافیا. برای ادامه‌دادن، مادرم نیاز به رویا دارد و من به مادرم.

از صفحه ۳

## پیوندهای روزافزون فساد...

تنها چند روز پس از بازداشت شهردار فاریاب، طالبان ملا نعمت‌الله فاتح، شهردارشان برای ولسوالی برکه بغلان را در هنگام تجاوز بر یک زن در ساحه تنگ مرچ این ولسوالی بازداشت کردند. طالبان در بغلان تایید می‌کنند که این زن کارمند کلینیک بود و ملا نعمت‌الله شب‌هنگام با اسلحه وارد خانه وی شده است. یک منبع به روزنامه ۸صبح گفت که افراد اداره استخبارات طالبان شهردار برکه را در هنگام تجاوز بر این زن بالفعل بازداشت کردند. به گفته منبع، گروه طالبان افزون بر ملا نعمت‌الله فاتح، زنی که بالای وی تجاوز شده بود را نیز زندانی کرده است. هرچند گمانه‌زنی‌ها در مورد روابط خارج از ازدواج این زن با شهردار طالبان در برکه مطرح شده است، اما منابع آن را تایید نکردند. به گفته مردم محل، موارد تجاوز جنسی و ازدواج‌های اجباری اعضای طالبان در ولسوالی برکه به مراتب بیشتر است، اما به‌دلایلی علنی نمی‌شود.

این پایان فهرست فسادپیشه‌های طالبان نیست. در ۲ اسد سال جاری، استخبارات طالبان شهردار این گروه برای سرپل را در داخل ساختمان مقام این ولایت بازداشت کردند. به گفته منابع، این فرد قاری وکیل نام دارد و به قاری معاذ شهرت یافته است. او متهم است که در هنگام کانکریت‌ریزی چند دوکان غیرقانون در پارک سبز، رشوه دریافت کرده است. به گفته منابع محلی، والی طالبان در سرپل شهردار این گروه را در ساختمان ولایت لت‌وکوب و سپس دستور بازداشتش را صادر کرده است. منابع تصریح می‌کنند که این فرد در جوزای سال جاری باشنده‌گان ناحیه اول مرکز سرپل را با تهدید وادار به اسفالت کوچه‌های‌شان کرده و هم‌زمان با آن، ۱۵۰ دکان را مسدود و هر خانه را ۶۰ هزار افغانی جریمه کرده است.

در همان روز، طالبان شهردار ولسوالی علی‌آباد کندر را به اتهام اخاذی و لت‌وکوب مردم بازداشت کردند. به گفته منابع، کریم‌الله بهادر، شهردار طالبان برای این ولسوالی تا کنون در زندان طالبان به سر می‌برد. یک منبع افزود که بهادر پیشتر به دلیل اتهام مشابه، از ولسوالی خان‌آباد تبدیل شده بود.

در یک مورد دیگر، شهردار غزنی در بدل اجرای امر تعدیل ساحات رهایشی به تجاری و همچنان صدور امر ساخت مارکیت‌های تجاری، از هر مارکیت ۱۰ تا ۳۰ هزار امریکایی گرفته است. منابع معتبر به روزنامه ۸صبح می‌گویند که در غزنی بدون پرداخت پول، اجازه کارهای ساختمانی به مردم داده نمی‌شود، اما در صورت پرداخت آن، حتا ساخت‌وساز غیرقانونی نیز اجازه می‌یابد. این در حالی است که به گفته یک منبع، شهردار طالبان در غزنی یک جاده مزدحم و مرکزی این شهر را که در زمان جمهوریت برای ایجاد سهولت رفت‌وآمد عریض شده بود، به کوچی‌ها به‌عنوان پارکینگ اجاره داده است. گفته می‌شود که شهردار طالبان در این ولایت روزانه در بدل اجاره‌دهی این محل ده‌ها هزار افغانی عواید به جیب می‌زند.

در سمنگان نیز فساد اداری و اخلاقی شهردار طالبان کار دست او داده است. یک منبع به روزنامه ۸صبح گفت که مولوی فیض‌محمد ریحان، شهردار سابق ایبک به‌دنبال شکایت مردم در اداره استخبارات طالبان، از موقمش برکنار شده است. در نامه‌ای که عنوانی اداره امور طالبان نگاشته شده، آمده است که فیض‌محمد ریحان توانایی جمع‌آوری عواید و عرضه خدمات را ندارد و امور کاری اداره وی نیز به گونه غیرعادی پیش می‌رود. در این نامه تذکر یافته است که مردم خواستار برکناری شهردار است و می‌خواهند که به جای وی شخصی به نام نصیراحمد کامیاب شهردار تعیین شود. از سوی دیگر، وی پس از ازدواج دومش، همسر دوم خود را در ساختمان ناحیه سوم شهر ایبک ساکن کرده بود که این اقدام سبب بروز انتقادهای مردم شد. این در حالی است که به گفته منابع، وی پیشتر برخی از بسته‌گانش را در بست‌های کلیدی شهر ایبک مقرر کرده بود.

سرانجام اداره امور طالبان تایید کرده است که مولوی فیض‌محمد ریحان توانایی مدیریت را ندارد و باید از موقوف شهرداری ایبک برکنار شود. او در ادامه به‌عنوان رییس کار و امور اجتماعی آن سمنگان گماشته شد. قابل ذکر است که پیش از این، فیض‌محمد ریحان در حمل سال گذشته در هنگام تجاوز جنسی بر همسر یکی از محافظانش، در ولسوالی دره‌صوف پایین، از سوی فرمانده کتدک اردوی طالبان محاصره شد، اما با میانجی‌گری مولوی اسلم تاتار، معاون والی طالبان در سمنگان نجات یافت. گفتنی است که این قضیه او در نهادهای عدلی گروه طالبان مورد بررسی قرار نگرفت.

این برکناری‌ها نشان می‌دهد که استخبارات طالبان در برکناری و مقرری مسوولان محلی این گروه نقش عمده دارند. این نهاد در کنار بازداشت افراد، برای آنان جایگزین نیز پیشنهاد کرده که از سوی ریاست‌الوزرای طالبان تایید شده است. به گفته منابع در برخی از ولایت‌ها، از جمله سمنگان، ریاست‌های ولایتی استخبارات طالبان در همه بخش‌های اداری مداخله و در برکناری و مقرری‌ها نقش عمده را بازی می‌کنند. این در حالی است که نهادهای استخباراتی به‌گونه معمول مسوولیت جمع‌آوری اطلاعات و راه‌اندازی برخی عملیات‌ها را به دوش دارند.

گفتنی است که طالبان تا کنون بارها بر نبود فساد در اداره‌های تحت کنترل این گروه تاکید کرده‌اند. با این حال، مردم می‌گویند که افراد طالبان در کنار استخدام وابسته‌گان‌شان، در حیف‌ومیل گسترده کمک‌های خارجی و افزون بر آن، باج‌گیری از مردم نقش دارند. پیشتر، برخی اعضای طالبان به‌دلیل فساد اخلاقی بازداشت، اما در پی پادرمیانی فرماندهان طالبان یا هم دستور رهبران این گروه مبنی بر عفو جنگ‌جویان‌شان، از زندان رها شده‌اند.





کج پرتو نادری بخش دوم

بیدل از سه زاویه به طبیعت نگاه می کند؛ اما نه به گونه جدا از هم، بل در یک کلیت زنده و سازمند. نخست این که طبیعت برای بیدل بیرون و جدا از انسان که مرکز و مرجع روحانی آن است، اهمیت و معنایی ندارد. دو دیگر این که نگاه او از جنبه‌های بیرونی طبیعت به جنبه‌های درونی و رمزی آن نفوذ می کند. نگاه او در سطح جلوه‌های ظاهری طبیعت متوقف نمی‌ماند. سه دیگر این که طبیعت برای بیدل آینه‌زاری است که او در این آینه‌ها تجلی عشق برین را می بیند.

هجوم جلوه یارست ذره تا خورشید

به حیرتم من بیدل، دل از که بر گیرم

غزلیات، ص ۸۹۶

بیدل را شاعر فطرت گفته‌اند؛ اما چنان شاعری که جلوه‌های بیرونی هستی او را نمی‌فریبد و او تنها با سپیده صبح و سرخی شفق روی اشعار خود را گلگونه نمی‌سازد. فطرت در نزد بیدل آینه‌ای است که او بازتاب و تجلی وجوب و امکان را در آن تماشا می کند.

فطرتم ریخت برون شور و جوب و امکان

این دو تمثال در آینه من بود مقیم

غزلیات، ص ۹۸۱

نگرش بیدل در برابر طبیعت بربنیاد مشاهده و تأمل استوار است. این نگرش اما از مرز مشاهده که دیگران در همین مرز باقی می‌مانند، می‌گذرد و به سرزمین تأمل می‌رسد و آن جاست که او چیزهایی را می‌بیند که دیگران ندیده‌اند، یا هم دیده نمی‌توانند. تأمل را چراغ شناخت و معرفت می‌داند و برای آن که بتوانیم از این همه اجزا به آن کل یگانه برسیم باید با تأمل در اجزا نگاه کنیم و چراغ معرفت را روشن سازیم.

اگر درس تأمل‌ها روان است

دل شب صفه خورشیدخوان است

تأمل هر کجا آینه گردید

به طبع قطره گوهر می‌توان دید

به هر جا دقتش با فطرت آمیخت

ز گرد آه طوفان دل برانگیخت

تأمل از نمی بحر آفرین است

جهانی کش نهایت نیست این است

خوش آن کز دقت ساز تأمل

بری بویی گل از آواز بلبل

ز گلشن گر شود چشمت نظریاب

کنی غواصی هر ریشه چون آب

به گلخن نیز ناقص در نمانی

پی دودش به خاکستر رسانی

نگه را قانع یک جلوه مپسند

قدح کم نیست ای خمیازه‌خورسند

طور معرفت، ص ۱۷

او تامل را عینک تحقیق اشیا می‌داند. این تأمل در حقیقت همان شیوه تحقیق و پژوهش در اجزای هستی است.

نهال از خاک گلشن در قفس داشت

حباب از آب جوشید تا نفس داشت

یقینم شد که در هر قطره جانی‌ست

نهان در هر کف خاکی جهانی‌ست

تأمل عینک تحقیق اشیاست

اگر باشد تأمل جلوه از ماست

همان، ص ۱۸

شعر بیدل شعر استعاره و نماد است، شعری است لبریز از صفت

# بیدل چگونه به طبیعت نگاه می کند؟

که در میان انواع تصاویر ارزنده‌ترین و Personification پرتحرک‌ترین شکل آن می‌باشد. بیدل این صنعت را به اوج آن رسانده است. او با استفاده از این صنعت که در ادبیات ما اصطلاح «تشخیص» را برابر با آن پذیرفته‌اند، نه‌تنها به اشیا که حتا به معانی انتزاعی نیز خصوصیت انسانی می‌دهد و آن‌ها را صاحب رفتار و عاطفه‌های انسانی می‌سازد.

سفر رمزی بیدل در طور معرفت

گمان می‌رود که بیدل نام این مثنوی را در پیوند به کوه طور، «طور معرفت» انتخاب کرده است. آن جا انوار جمال الاهی می‌تابد و این جا در دامنه کوه بیرات انوار زیبایی‌های طبیعت. طور معرفت مثنوی‌ای است در وزن یوسف و زلیخای جامی و شیرین و خسرو نظامی، مشتمل بر تقریباً ۱۳۰۰ بیت، و یک سفر رمزی است که خودش نیز در پایان آن می‌گوید:

بیا ای بلبل محرومی‌آهنگ

بزن از خامشی مضراب بر چنگ

که می‌نالی و کس محرم نوا نیست

به حرفت هیچ گوش‌ی آشنا نیست

آری! سفری است به دنیای بی‌چون «اطلاق» و باز مراجعت به آینه‌خانه دنیای چندوچون «کثرت».

نقد بیدل، ص ۴۲۹

شماری از پژوهش‌گران به این باورند که مثنوی طور معرفت جز توصیف طبیعت چیز دیگری نیست، کوه و دشت و دره، باران، ابر و حباب، چشمه، سنگ و رنگین‌کمان در این مثنوی همان چیزهایی‌اند که در طبیعت وجود دارند؛ ولی زمانی که به چگونگی نگاه بیدل به طبیعت توجه کنیم، نمی‌توانیم چنین داور‌ی‌هایی را بپذیریم.

بیدل طبیعت را برای طبیعت توصیف نمی‌کند. او همان آتش یا نوری را که در درختی در کوه طور برای موسا پدیدار شده بود در همه اجزای طبیعت می‌بیند.

به برق گفت‌وگویی آتش طور

دماغ حسرتی می‌سوزی از دور

گذشت آن برق ای غافل ز تجدید

چراغان دیگر هم می‌توان دید

تجلی بر در و بام آتش افکن

تو داغ شعله خاموش ایمن

کلیات، طور معرفت، ص ۴

هرچند آن نور و آتش در کوه طور دیگر نمی‌تابد؛ اما بیدل آن تجلی را در همه جا می‌بیند و همه هستی طبیعت برای او همان طور است. می‌خواهد بگوید که اگر چشم بگشایی این تجلی بر در و بام خانه تو می‌تابد و نباید این همه در حسرت آتش‌طور بی‌قراری داشته باشی. یک چنین جلوه‌ای است که بیدل را این همه شیفته طبیعت ساخته است. این تجلی در حقیقت بازتاب آن هستی یگانه است در اجزای گوناگون طبیعت. پس این جهان برای او تجلی‌گاه هستی دوست است.

برق عشقیم شعله می‌خندیم

ابر شوقیم ناله می‌باریم

گرچه بالذات واحدیم به حق

لیک با اسم و فعل بسیاریم

شوق ما با وجود بی‌رنگی

تا به رنگ آشناست گل‌زاریم

کفر و دین است گفت‌وگو ورنه

عین تسبیح و عین زناریم

به فضولان ز درس‌گاه یقین

این دو مصرع گواه می‌آریم

که جهان نیست جز تجلی دوست

این من و ما همان اضافه اوست

کلیات، ج دوم، ترجیع‌بند، ص ۲۶

در طور معرفت، بیدل تنها جغرافیای بیرات را نمی‌سراید؛ بلکه او در توصیف این جغرافیا معناسرایی می‌کند. این معناسرایی از همان تجلی دوست در اجزای هستی سرچشمه می‌گیرد.

ز طور معرفت معناسرایم

به چندین کوه می‌نازد صدایم

ز گلگشت حقیقت ترزبانم

به صد منقار می‌بالد بیانم

طور معرفت، ص ۱

او روزگاری در گوشه‌گیری و انزوا به‌سر می‌برد. ریاضت و شب‌زنده‌داری پیشه کرده بود و صبرآزمایی می‌کرد، تا به تمرکز فکری برسد. این خود همان نخستین گام‌هایی است که در راه بی‌پایان عشق و معرفت برداشته می‌شود. انسان، بدون تحقیق و جست‌وجو به خورشید حقیقت نمی‌رسد. چشم شایان تجلی است و اگر آن را بر روی جهان ببندیم خود به زندان تجلی بدل می‌شود.

شناخت انسان از هستی با حواس انسان آغاز می‌شود. گویی هر حس ما پنجره‌ای است گشوده به‌سوی هستی. اگر این پنجره‌ها بسته بمانند همه راه‌های شناخت هستی به‌روی ما بسته می‌شوند. وقتی پنجره‌های حواس بسته باشند دیگر پیوندی با هستی برجای نمی‌ماند. پس اگر می‌خواهیم راز معمایی هستی را باز کنیم باید در نخستین گام چشمان جست‌وجو، تأمل و تجربه را به‌روی هستی بگشاییم.

همین چشمی که شایان تجلی‌ست

چو گردد بسته زندان تجلی‌ست

معمایی معمایی معما

اگر خواهی گشودن چشم بگشا

کسی کز معرفت یک شیوه بگزید

جهان بی‌نهایت مختصر دید

چراغی آگهی خلوت‌گزین نیست

فروغ مهر در زیر زمین نیست

همان، ص ۲

بیدل انسان را به خودشناسی فرا می‌خواند. انسان مفهوم پیچیده است. مانند معمایی و این معما با چشمان بسته گشوده نمی‌شود. چشم گشودن همان تأمل کردن در خود و هستی است.

جهان بسیار گسترده و پیچیده است و در شناخت آن باید از راه‌ها و شیوه‌های گوناگونی استفاده کرد. برای آن که با یک شیوه نمی‌توان به حقیقت کلی هستی دست یافت. با یک شیوه تنها می‌شود بخشی از هستی را شناخت نه کلیت آن را. این سخن بیدل بر باور تمام‌آثانی که ادعا دارند همه حقیقت هستی با آن‌هاست خط بطلان می‌کشد.

اگر تحقیق معنی نکته آراست

به هر سو چشم‌ها گردد تماشاست

کنون در کوه بیرات آب و رنگ است

که هر سنگش به دل بردن فرنگ است

مهیا کن نگاه التفاتی

ببر بر صنعت بی‌چون براتی

همان، ص ۵

بیدل با یک چنین بینشی و با یک چنین شیوه‌ای ما را به بیرات می‌برد. تاکید دارد که اگر چشم خود را بر روی جلوه‌های حقیقت هستی نبندیم، همه جا تماشایی است. یعنی حقیقت هستی در همه جا پراکنده است و همه اجزای طبیعت بر صنعت خداوند دلالت دارند. برای آن که این همه زیبایی و جلوه‌های رنگ‌رنگ حقیقت از یک منبع آمده و در اجزای هستی جاری شده‌اند.

ذهن شاعرانه، پرسپیلان و نگاه ژرف‌بین بیدل در یک نقطه متوقف نمی‌ماند؛ بل شبکه پیچیده ظواهر و مرز کلیت‌ها را عبور می‌کند و می‌رسد به دنیای گسترده و پر از رمزوراز درون اشیا و اجزای متشکله کلیت‌ها.

به کوهش از صفای سنگ خارا

شرر چون جوهر از آینه پیدا

مپرس از سنگ، همواری به چنگش

مگو از خاک یا قوت آب و رنگش

که از سنگش توان گوهر تراشید

ز خاکش بر رخ گل رنگ پاشید

دل هر ذره‌اش تخم بهاری

کجا سنگ و چه خشت آینه‌زاری

به هر آینه حیرت خفته چندان

که تمثال دو عالم کرده پنهان

همان، ص ۷

شاید بتوان گفت که چنین توصیفی از طبیعت پیش از بیدل در زبان پارسی دری سابقه نداشته است. سنگ‌های بیرات همان سنگ‌های سخت و خارا در نظر بیدل همه دارای صفا‌اند؛ ولی آتش از نهاد آن‌ها در کوه به مانند جوهر از آینه پیداست. او در دل همین سنگ‌ها موج شر دیده است.

بیان آتش در دل سنگ انسان را به فکر انرژی که در نهان‌خانه ذره‌ها وجود دارد، می‌اندازد. او از سنگ، گوهر می‌تراشد. در ظاهر امر، چه کار بیهوده‌ای و شاید هم بتوان گفت چه مبالغه‌ای؛ ولی امروز می‌دانیم که بسیاری از منرال‌های قیمتی در دل سنگ‌ها نهفته‌اند. چنان که سنگ‌ها را می‌شکنند و می‌تراشند و آن منرال‌ها و دانه‌های قیمتی را از سینه آن‌ها بیرون می‌آورند. از خاک بر رخ گل رنگ می‌پاشد. ظاهراً اگر بر رخ گل خاک زده شود، گل رنگ و طراوت خود را از دست می‌دهد؛ ولی با اندک تأمل می‌توان دریافت که طراوت و رنگینی و زنده‌گی گل وابسته به پیوند آن با خاک است.

دل هر ذره برای بیدل تخم بهاری است که می‌تواند نمادی باشد از حرکت و زنده‌گی. در بوتانی اصطلاحی وجود دارد به‌نام مشیمه. این مشیمه عبارت از ساختمان کوچکی است که در تخم هر نباتی وجود دارد که نموی نبات به‌سوی زمین و هوا از دو قطب مختلف آن آغاز می‌یابد. می‌توان گفت که بیدل به چنین چیزی اشاره دارد. دل هر ذره‌اش تخم بهاری.

بیدل در توصیف طبیعت در همین جا باقی نمی‌ماند؛ بل گامی به پیش می‌نهد و می‌رود به سراغ آن تجلی که از کوه بیرات برای او طور معرفت ساخته است. در این جاست که او هر سنگ و خشتی را آینه‌زاری می‌بیند که دو چندان حیرت در آن‌ها نهفته است. چرا که تمثال دو عالم را در خود نهان دارند.

بیدل در کلیت گل‌زار بیرات را به چنان انبارخانه گندم همانند می‌کند که در آن هیچ دانه‌ای بدون تبسم نیست. او به هر سویی که رو می‌کند آن جا را لبریز از شگفتن می‌بیند و زمین را تا آسمان گل‌خیز.

راستی این چه رازی است که بیدل به هر سویی که می‌بیند جز شگفتن و تبسم چیز دیگری در نظر او جلوه نمی‌کند؟ آری، این سعادت حقیقی از آن جهت نصیب او شده است که او چه در خود و چه در بیرون از خود نگاه می‌کند، بدون دلدار برین چیز دیگری را نمی‌بیند.

نفس از تو صبح خرمن نگه از تو گل به دامن

تویی آن که در بر من تهی از من است جایت

رباعیات، ص ۳۶۴

بدین‌گونه بیدل تا از خود به کاینات نظر می‌کند هر چیز را تجلی دلدار برین می‌بیند و ازاین‌رو، همه چیز به چشم او گل و گل‌زار می‌نماید. از خود تهی می‌شود تا از جلوه خدا پر شود.

درین گل‌زار چون انبار گندم

نیایی دانه‌ای را بی‌تبسم

شگفتن بس که لبریز است این جا

زمین تا چرخ گل‌خیز است این جا

تصور هر طرف می‌بندد احرام

همان با خنده گل می‌زند گام

طور معرف، ص ۷

از بیت آخر نتیجه می‌شود که بیدل با چه احترامی به طبیعت به این تجلی‌گاه دوست نگاه می‌کند. مثل آن است که او به زیارت خانه خدا رفته باشد، چنان‌که احرام مقدس در بر می‌کند و با خنده گل گام می‌زند. بیدل پس از آن که کوه بیرات را در یک کلیت توصیف می‌کند، هنوز کارش را تمام‌شده نمی‌پندارد و ازاین‌رو، به جلوه‌های گوناگون طبیعت چون ابر، باران، حباب، شفق و رنگین‌کمان، سنگ، کوهسار، شرر و چشمه و حتا به باغ‌ها و سمن‌زارها توجه می‌کند و به‌گونه جداگانه به توصیف هر کدام آن‌ها می‌پردازد.

او در مثنوی طور معرفت از چگونه‌گی نگاه خود به هستی آغاز می‌کند. پس از آن در یک کلیت ما را با بیرات آشنا می‌سازد و بعد از آن کلیت برمی‌گردد به اجزای کلیت. در نهایت این اجزا ما را به آن کلیت یا هستی یگانه راهنمایی می‌کند.

## عدالت طالبانی...

این نمایش اما تنها به دلیل روش بدوی و قبیله‌ای مدعیان تطبیق شریعت اسلام، منجرکننده نیست؛ بلکه به‌خاطری مورد نکوهش همگان قرار دارد که عدالت طالبانی به‌شدت طبقاتی، نامتوازن، جانب‌دارانه و قوم‌زده است. طالبان در حالی که یکی از کارهای معمول روزانه‌شان برگزاری دادگاه‌های صحرایی برای تحقیر شهروندان شوربخت افغانستان است، وقتی افراد خودشان دست به فساد اخلاقی و یا مالی می‌زنند، برکناری تنها مجازاتی است که برای آنان در نظر می‌گیرند. نه خبری از بازداشت و زندانی شدن است و نه هم دره و شلاق.

در دستگاه تفکر بدوی طالبان، کل شهروندان به طالبان و غیرطالبان تقسیم شده‌اند. آتانی که شامل کنگوری طالبان می‌شوند، در هر زمینه‌ای از کسانی که شامل کنگوری غیرطالبان هستند، متمایزند. کنگوری اول از حقوق و مزایای بی‌حدوحصر عدالت طالبانی برخوردارند؛ اما کنگوری دوم برعکس هیچ حقوق و امتیازی ندارند، و به این دلیل باید از هر اقدام و دستور طالبان بدون درنگ پیروی کنند. کافی است کوچک‌ترین تخطی از شما سر بزند و آن زمان استبداد آهنین طالبانی را با گوشت و پوست خود حس خواهید کرد. کنگوری اول حتی اگر مرتکب جنایت بزرگی هم شوند، مورد لطف و مرحمت امیرالمومنین طالبان قرار گرفته و عفو می‌شوند؛ اما کنگوری دوم، شایسته‌گی برخوردار از لطف و مرحمت ملا هیت‌الله را ندارند و پس باید زجر بکشند و تحقیر شوند.

در یک جامعه طبقاتی طالبانی‌شده، رنج، مرگ، گرسنگی و فاجعه رنگ‌ورخ پیچیده‌تر از دیگر جوامع به‌خود می‌گیرد. سیاست قومی در چنین جامعه‌ای همچون سایه سنگین روی عدالت اعمال می‌شود و کسانی که مربوط به قوم مورد عنایت طالبان نیستند، بیش‌تر قربانی می‌شوند تا آتانی که با این گروه هم‌قوم و قبیله‌اند. پس عدالت طالبانی در کنار دیگر عیب و ایرادها، قوم‌زده نیز است. این روزها که رسوایی جنسی اعضای طالبان همه جا سر زبان‌هاست، بارها از مردم در سطح شهر شنیده‌ام که می‌گویند، اگر این مقام طالبان از قوم خودشان باشد، مجازاتی در انتظارش نیست؛ اما اگر از دیگر اقوام باشد، حتما جزای سختی خواهد دید. تبعیض قومی در رژیم طالبانی به‌حدی آشکار و علنی است که حتی مردم عادی و روستایی به آن پی برده‌اند.

قوم‌زده‌گی سیاست در افغانستان زیر سلطه طالبان، حتی با اعتراض مقام‌های غیرپشتون این گروه نیز روبه‌رو شده است. سران تاجیک و اوزبیک طالبان بارها نسبت به پیامدهای فاجعه‌بار پشتون‌محوری در رژیم بر سر کار در کابل هشدار داده‌اند. حتی شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز در گزارشی در مورد وضعیت افغانستان، از سیاست پشتون‌محور گروه طالبان انتقاد کرده است. با این حال، طالبان مدعی‌اند که حکومت‌شان همه‌شمول است و عدالت بدون تبعیض بر همه تطبیق می‌شود. طالبان و هم‌فکران‌شان همچنان معتقدند که آنچه به‌نام تطبیق اخلاق اسلامی در افغانستان انجام می‌دهند، وظیفه ایمانی و اسلامی آنان است. به باور طالبان و دیگر گروه‌های تندرو اسلامی، با گذشت قرن‌ها از ترویج اسلام در افغانستان، هنوز این کشور به‌معنای واقعی کلمه اسلامی نشده و شهروندان آن تا زنده‌اند باید زجر و عذاب «ترویج شریعت غرای محمدی» را بکشند. گویی هزینه کمرشکنی که مردم افغانستان روزانه برای نهادینه کردن «شریعت اسلام» پرداخت می‌کنند، بسنده نیست و باید بیش‌تر از این از خودشان مایه بگذارند!

## حوزه عمومی و اعتراضات زنان در افغانستان

که مریم میترا



دگرگونی بنیادین شده‌اند. بازی‌گران عرصه‌های مختلف با حضور در پلتفرم‌های رسانه‌ای دیجیتال می‌توانند در شکل‌دهی افکار عمومی و تغییر نگاه مردم اثرگذار باشند. در دو سال اخیر دیده می‌شود که زنان افغانستان در مبارزات‌شان از اهمیت رسانه‌ها در شکل‌دهی افکار عمومی غافل نبوده‌اند و از پلتفرم‌های مجازی برای رساندن خواست‌ها و پیام‌های‌شان به جهانیان استفاده کرده‌اند.

انترنت سازوکار قدرت در عرصه عمومی را برای زنان در افغانستان با ایجاد بستری برای ارتباطات و شبکه‌سازی تغییر داده است که به آن‌ها امکان می‌دهد در ساختن حوزه عمومی مشارکت کنند. سرعت و تمرکززدایی در فضای مجازی، افراد و گروه‌های محروم و به حاشیه رانده شده را تشویق می‌کند تا صدایی داشته باشند و بتوانند با دیگران ارتباط برقرار کنند. اینترنت همچنین شیوه دسترسی و ارایه اطلاعات توسط نهادهای قدرت به مردم را تغییر داده است که این امید را به‌وجود می‌تواند یک نیروی دموکراتیزه‌کننده احتمالی در جوامع رو به توسعه باشد؛ چون تعامل، گفت‌وگو، اتصال و مشارکت را در فضای خارج از حاکمیت بی‌قیدوشرط دولت‌ها ممکن می‌سازد.

مفهوم «سایبرفمینیسیم» به تبیین این مساله می‌پردازد که زنان در استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال سهم اندکی دارند و این فضاها کماکان مانند دیگر حوزه‌ها در اختیار مردان است. بنابراین، نیاز است تا زنان در تولید محتوا و شکل‌دهی افکار عامه سهم و حضور فعالانه‌تری در فضای دیجیتال داشته باشند. در شرایطی که حوزه عمومی در افغانستان از دسترس زنان خارج شده است، پلتفرم‌های دیجیتال می‌توانند در بازتاب وضعیت زنان بسیار موثر باشند. استفاده هدفمند از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و تولید محتوای کتبی، شنیداری و دیداری در آن‌ها، در تبیین وضعیت زنان الزامی است.

انترنت در افغانستان با ایجاد بستر جدیدی برای ارتباطات و شبکه‌سازی، زنان را در فعالیت‌های‌شان در عرصه سیاسی و اجتماعی توانمند کرده است. فضاهای دیجیتالی در واقع گونه‌های جدید حوزه عمومی هستند که زنان توانسته‌اند در آن مشارکت کنند و شبکه‌هایی ایجاد کنند که به حضور و توان‌مندسازی آن‌ها در حوزه عمومی مدد برساند. با این حال، توجه به این نکته مهم است که اینترنت همچنان ابزار نخبه‌گراست که دسترسی، هزینه و مهارت‌های استفاده از آن برای بسیاری از جمله زنان در افغانستان، دشوار است.

با تکیه بر نظریه فمینیسم سایبری می‌توان نتیجه گرفت که زنان با خلق روایت از مبارزات‌شان می‌توانند در فضاهای عمومی اثرگذار باشند و وضعیت زنان در افغانستان را بدل به گفت‌وگو در حوزه عمومی کنند. زنان با در اختیار گرفتن میدان مبارزه رسانه‌ای برای ثبت روایت تاریخ‌مند و روش‌مند مبارزات‌شان، می‌توانند تحول مهمی در تاریخ مبارزات زنان افغانستان ایجاد کنند. شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان پلتفرم‌های غیرمتمرکز و خارج از حیطه کنترل دولت توانسته‌اند نقش پیام‌رسان موثری را در مبارزات زنان در دو سال گذشته در افغانستان ایفا کنند. اما لازم است تا از امکان و ظرفیت این شبکه‌ها به‌گونه هدف‌مند و منسجم برای بازتاب فعالیت‌ها و اعتراضات زنان در افغانستان استفاده شود. فعالیت‌های فردی، پراکنده و نامنجم می‌تواند موثریت این اعتراضات را کاهش دهد.

کنار اهمیت سیاسی‌ای که این تظاهرات داشت، اعلام حضور بی‌چون‌وچرای زنان در حوزه عمومی نیز بود که طالبان تلاش می‌کردند زنان را از آن حذف کنند. زنان در کابل و چند شهر دیگر پیام واضحی به جهان فرستادند که زنان نیز بازی‌گران میدان سیاسی در افغانستان هستند و طالبان نمی‌توانند آنان را نادیده بگیرند. حضور زنان در خیابان‌های کابل از آن جهت هم برای بسیاری اتفاق غافل‌گیرکننده‌ای بود که روایت قربانی‌محور زنان در افغانستان را به چالش کشید.

ترس از دست دادن آزادی‌های نسبی و شجاعت مطالبه حقوق انسانی، دلیل آمدن زنان به خیابان و اعلام حضورشان در میدان اعتراض بود. این‌جا همان نقطه‌ای است که پییر بورديو، در نظریه میدان از آن سخن می‌گوید. زنان توانستند «میدان» مبارزه مهمی را در اختیار بگیرند و در آن حضور داشته باشند. به تعبیر بورديو، میدان‌ها همواره در اختیار بازی‌گرانی که آن را می‌سازند، باقی نمی‌مانند و مخالفانی هم هستند که می‌خواهند میدان را از اختیار حریفان خود بیرون کنند. سرکوب اعتراضات زنان توسط طالبان نمونه‌ای از رویارویی‌ای است که میان کنش‌گران و حاکمان در حوزه عمومی در افغانستان اتفاق افتاد. طالبان با صدور فرمان‌های پی‌درپی زنان را از حضور در حوزه عمومی منع کردند. در نتیجه سرکوب این اعتراض‌ها، ممنوعیت آموزش و کار، و دیگر فرمان‌های طالبان مبنی بر خانه‌نشینی کردن زنان، حوزه عمومی کاملاً از دسترس زنان خارج شد. در اواخر ماه ثور امسال در ادامه صدور فرمان‌های وضع ممنوعیت بر حضور زنان در محیط کار، طالبان با صدور فرمانی گرداننده‌گان زن در رسانه‌ها را وادار کردند تا با صورت پوشیده در رسانه‌های تصویری ظاهر شوند. اما با این حال نمی‌توانند حضور زنان در فضای مجازی و رسانه‌ها را کنترل یا کاملاً ممنوع کنند.

در نتیجه وضع ممنوعیت‌های پی‌درپی و رانده‌شدن از حوزه عمومی، زنان ناگزیر بودند چاره‌ای برای ادامه اعتراض‌های‌شان بیابند و از آن به بعد، زنان معترض با تغییر شیوه مبارزه‌شان ویدیوهای را در فضاهای سربسته ضبط کرده و از طریق شبکه‌های اجتماعی نشر کردند/می‌کنند. در این ویدیوها دیده می‌شود که زنان شعارهایی را که در خیابان سر می‌دادند، تکرار می‌کنند. چهره‌های زنان در این ویدیوها گاهی پوشیده و گاهی هم آشکار است. کلیپ‌های اعتراضی هرازگاهی به رسانه‌های برون‌مرزی فرستاده شده و از طریق شبکه‌های اجتماعی هم دست‌به‌دست می‌شود. این رویکرد هوش‌مندانه‌ای از سوی زنان است که نمی‌گذارند حضورشان فراموش شود.

در عصر گسترش بی‌سابقه رسانه‌های دیجیتالی، میدان‌های مبارزه سیاسی و اجتماعی نیز دچار

تعریف یورگن هابرماس از حوزه عمومی، یکی از تلاش‌های اولیه و اساسی علمی برای توصیف و توضیح حوزه عمومی و کارکرد آن به‌شمار می‌آید. تلاش او برای تبیین مفهوم حوزه عمومی و نقش آن در شکل‌گیری افکار عمومی و مشروعیت بخشیدن به دولت و دموکراسی در جوامع غربی پس از جنگ است. با آن که آرای او به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان چهارچوب نظری تحقیقات علمی در حوزه جامعه‌شناسی و ارتباطات استفاده شده است؛ اما همچنین به‌طور گسترده‌ای به چالش کشیده شده و نقد شده است. زیرا مفهوم حوزه عمومی به‌طور مداوم در حال تغییر و دگرگونی است. به تعبیر هابرماس، حوزه عمومی به‌عنوان حوزه‌ای از زنده‌گی اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که در آن می‌توان افکار عمومی را شکل داد. حوزه عمومی را می‌توان به‌عنوان محل شکل‌گیری و پرورش افکار و آرای افراد جامعه در نظر گرفت. از نظر او، حوزه عمومی عمدتاً برای همه شهروندان باز است و افراد برای شکل‌دهی گفت‌وگو دربارۀ مسایلی که در آن دخیلند به‌خاطر ابراز نظر آزادانه گرد هم می‌آیند و متحد می‌شوند. اصطلاح حوزه عمومی سیاسی برای تبیین گفت‌وگوهای عمومی در مورد موضوعات مرتبط با دولت و عملکرد سیاسی آن به‌کار برده می‌شود. اگرچه هابرماس قدرت دولتی را «قدرت عمومی» می‌داند که از طریق مردم در انتخابات مشروعیت می‌یابد، اما از نظر او دولت و قدرت‌های زورمند بخشی از حوزه عمومی نیستند، بلکه همتای حوزه عمومی هستند که در آن نظرات شکل می‌گیرد. بنابراین، افکار عمومی باید دولت و اختیارات آن را در بحث‌های روزمره و همچنین از طریق انتخابات رسمی تحت نظر داشته باشد و کنترل کند. حوزه عمومی عنصر اساسی برای میانجی‌گری بین دولت و جامعه است و در یک وضعیت ایده‌آل اجازه کنترل دموکراتیک بر فعالیت‌های دولت را دارد.

با تکیه بر دریافت بالا از حوزه عمومی، وضعیت زنان در فضاهای عمومی افغانستان را به مطالعه گرفته و اعتراضات دو سال پسین زنان را در روشنایی مفهوم «سایبرفمینیسیم» مورد بررسی قرار خواهیم داد. فضاهای عمومی در افغانستان اغلب فضاهای امن و قابل دسترسی آسان برای زنان نیستند. خیابان که مکان کلیدی اعتراض مردم در برابر حاکمیت‌هاست، حضور در آن برای زنان در افغانستان، هرگز آسان نبوده است. این مهم‌ترین قلمرو اعتراض اغلب در اختیار مردان بوده و زنان حضور کم‌رنگی در این فضا دارند. پیش از سقوط حکومت پیشین هم خیابان مکان امنی برای زنان نبود. زن‌ها در خیابان خشونت و آزار کلامی و حتی جسمی را تجربه می‌کردند. با این حال، یکی از پیامدهای مستقیم ممنوعیت آموزش و کار زنان در افغانستان، حذف آنان از حوزه عمومی است. با خانه‌نشینی شدن زنان، شهرها باشتاب چهره بدل کرده‌اند و در تصویرهایی که حالا در رسانه‌ها نشر می‌شود، به‌ندرت زنی را در کوچه و خیابان می‌بینید.

بعد از سقوط حکومت پیشین، زنان در اقدام کم‌نظیر به خیابان رفتند و در قلمروی که در افغانستان اغلب در اختیار مردان است، در برابر طالبان اعتراض کردند. خیابان‌های کابل به میدان مبارزه‌زانی بدل شدند که می‌دانستند با حاکمیت دوباره طالبان، اندک آزادی‌های به‌دست آمده در دو دهه گذشته، به‌زودی از کف خواهد رفت. در

صبح  
روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل  
مدیرمسئول: محمد محق  
سردبیر: حسیب بهش  
تحلیل‌گران: یونس نگاه، علی سجاد مولایی  
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین  
دبیر تولید: محمد نوید جوریا

Sanjar.sohail@8am.media  
Mohammad.moheq@8am.media  
Hasib.baresh@8am.media

خبرنگار ارشد: امین کاوه  
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران  
صفحه آرایی: رضا مرادی  
پذیرش مقالات: Info@8am.media  
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۸۷۹۹  
نشانی پستی: ۰۲۵-۰۳۸، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان  
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief: Mohammad Moheq  
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media  
Youtube.com/HashteSubdaily  
Twitter.com/@Hashtesubdaily  
instagram.com/8am.media\_official  
www.8am.media



بربنیاد گزارش‌ها، مقام‌های روسی می‌گویند که چند حمله پهپادی به داخل خاک این کشور صورت گرفته است. یورو نیوز روز یکشنبه، ۲۷ اگست، به نقل از سرگنی سوبیانین، شهردار مسکو گزارش داده که سامانه دفاع هوایی روسیه یک پهپاد را که از اوکراین به پرواز درآمده بود در حوالی مسکو سرنگون کرده است. طبق گزارش‌ها، محل سرنگونی این پهپاد حدود ۵۰ کیلومتر با کرملین فاصله دارد. در همین حال، در پی این حمله پهپادی پروازها از سه میدان هوایی مسکو به مدت چند ساعت به حالت تعلیق درآمد. از جانبی، فرمانده منطقه بلگورود در جنوب غربی روسیه اعلام کرده که یک تن در جریان حمله پهپادی به این منطقه کشته شده است.

## زلنسکی: جنگ را به خاک روسیه نمی‌کشانیم

و قادریم تلفات را به حداقل برسانیم.»  
 اظهارات زلنسکی در زمینه جنگ طولانی مدت همزمان با نشر گزارش‌های مبنی بر کاهش حمایت نظامی غرب از این کشور بیان می‌شود.  
 روزنامه وال استریت ژورنال به نقل از مقام‌های امریکایی گزارش داده که احتمالاً واشنگتن در سال ۲۰۲۴ کمک‌های نظامی خود به کی‌یف را در مقایسه با سال جاری کاهش دهد.  
 رهبر اوکراین در حالی از عدم کشاندن جنگ به خاک روسیه سخن می‌زند که در این اواخر کی‌یف حملات متعددی پهپادی بالای مسکو، پایتخت این کشور انجام داده است.

خبرگزاری تاس یکشنبه‌شب، ۲۷ اگست، گزارش داده که رییس جمهور اوکراین این موضوع را در گفت‌وگو با تلویزیون رسمی مجلس این کشور (رادا) بیان کرده است. زلنسکی گفته است که علاقه‌ای برای کشاندن دامه جنگ به خاک روسیه را ندارد.  
 وی تاکید کرده است: «در چنین حالتی این خطر وجود دارد که ما تنها بمانیم.»  
 زلنسکی همچنان در مورد مدت جنگ افزوده است که کشورش می‌تواند مانند اسرائیل برای مدتی طولانی در جنگ باشد.  
 وی در این گفت‌وگو تصریح کرده است: «ما آماده جنگ برای مدت طولانی بدون از دست دادن افراد زیاد هستیم»



ولادیمیر زلنسکی، رییس جمهور اوکراین، می‌گوید که جنگ را به خاک روسیه نمی‌کشاند.

## کشتی‌های جنگی روسیه پس از هفته‌ها گشت‌زنی مشترک با چین از اقیانوس آرام آرام برگشتند



یک گروه از ناوهای جنگی نیروی دریایی روسیه پس از دست‌کم سه هفته گشت‌زنی مشترک با کشتی‌های نیروی دریایی چین در اقیانوس آرام بازگشته‌اند.

خبرگزاری اینترفاکس روسیه روز یکشنبه، ۲۷ اگست، گزارش داده است که این کشتی‌ها با جدایی از کشتی‌های نیروی دریایی چین بیش از هفت هزار مایل دریایی را از طریق دریاهای جاپان، اوخوتسک، برینگ و اقیانوس آرام طی کرده‌اند.  
 بر اساس این گزارش، گروه روسی-چینی حین گشت زنی، از خط الراس کوریل عبور کردند.  
 این جزایر، در نزدیکی جزیره هوکایدو در شمال جاپان، در روسیه به‌عنوان کوریل و در جاپان به‌عنوان سرزمین‌های شمالی شناخته می‌شوند و هسته اصلی تنش‌های دهه‌ها بین همسایه‌ها بوده‌اند.

کشتی‌های جنگی روسیه و چین نیز بخشی از مجمع الجزایر آلتی را دور زده‌اند.  
 بیشتر جزایر آلتی متعلق به ایالت آلاسکا در ایالات متحده است، اما جزایر فرمانده در نزدیکی شبه جزیره کامچاتکا بخشی از روسیه هستند.  
 روزنامه وال استریت ژورنال، در اوایل ماه اگست گزارش داده بود که ۱۱ کشتی روسی و چینی در نزدیکی جزایر آلتی حرکت کردند که به نظر می‌رسید، بزرگترین ناوگان این چینی باشد که به سواحل امریکا نزدیک می‌شود.  
 این روزنامه به نقل از مقامات امریکایی گزارش داد که این کشتی‌ها هرگز وارد آب‌های سرزمینی ایالات متحده نشده‌اند.

## افغانستان جایگاه سوم رقابت‌های قهرمانی فوتبال «کافا» را به دست آورد

۸صبح، کابل: تیم ملی فوتبال زیر ۱۷ سال افغانستان در رقابت‌های قهرمانی مرکز آسیا (کافا) پس از شکست در برابر تیم اوزبیکستان، در جدول رده‌بندی از جایگاه دوم به سوم سقوط کرد.  
 تیم ایران یکشنبه‌شب، ۵ سنبله، با شکست دادن تیم تاجیکستان دومین پیروزی‌اش را کسب کرد و امتیاز خود را با افغانستان برابر ساخت.  
 ملی‌پوشان کشور مدال برنز این رقابت‌ها را به دست آوردند.  
 تیم ایران با وجود تفاضل گول به‌دلیل شکست در مقابل تیم افغانستان، همچنان در جایگاه چهارم جدول باقی ماند.  
 تاجیکستان قهرمان و اوزبیکستان نایب قهرمان این رقابت‌ها شد.  
 تیم ملی فوتبال زیر ۱۷ سال قرغیزستان هم در این رقابت‌ها جایگاه پنجم را از آن خود کرد.



اخیر محدودیت‌های را علیه مسلمانان ساکن در این کشور وضع کرده است. اقدامی که واکنش جامعه مسلمانان را به همراه داشته است.

## فرانسه دانش‌آموزان دختر در مکاتب را از پوشیدن حجاب ممنوع کرد

این مقام فرانسوی گفته که در جریان بازرسی از ۹۹ مسجدی که اخیراً انجام شده، داخل ۲۱ مسجد نشانه‌های افراط‌گرایی وجود داشته است.  
 به گفته دارونین برای نخستین بار در تاریخ فرانسه است که این تعداد از مساجد در این کشور بسته می‌شوند.  
 تصمیم برای تعطیلی مساجد، یکی از تصمیم‌های متعدد دولت فرانسه برای تعطیلی مراکز اسلامی است. پاریس این اقدام را به‌هدف مبارزه با افراط‌گرایی و تحریک برای خشونت و تروریسم انجام می‌دهد.  
 این در حالی است که دولت فرانسه آنچه مبارزه با افراط‌گرایی در این کشور عنوان می‌کند، در چند سال

مقام‌های فرانسوی اعلام کردند که پوشیدن حجاب برای دانش‌آموزان دختر در مکاتب این کشور ممنوع است.  
 خبرگزاری فارس به نقل از شبکه TF۱ یکشنبه‌شب، ۲۷ اگست، گزارش داده که دولت فرانسه این تصمیم را به‌دلیل در تضاد بودن پوشیدن حجاب اسلامی با قوانین این کشور اتخاذ کرده است.  
 گابریل آتال، وزیر معارف فرانسه، در گفت‌وگو با TF۱ گفته است که حجاب اسلامی قوانین سکولار فرانسه در آموزش را نقض می‌کند.  
 پیش از این جرالدارونین، وزیر داخله فرانسه از بسته شدن ۲۱ مجرای مسجد در این کشور خبر داده بود.

## اکوواس: برای اقدام نظامی در نیجر عجله نداریم



نیروهای گارد ریاست جمهوری یک ماه پیش محمد بازوم، رییس جمهور این کشور را در داخل کاخ ریاست جمهوری بازداشت و سپس عبدالرحمن چپانی را به‌عنوان رییس شورای انتقالی این کشور منصوب کرده‌اند.  
 پس از رد درخواست رهبران کشورهای غرب آفریقا مبنی بر بازگرداندن بازوم به قدرت از سوی رهبران کودتاچیان در نیجر، اکوواس تحریم‌های اقتصادی و مسافرتی بیشتری علیه آنان وضع کرد.  
 این در حالی است که پیش از این کمیسار امور سیاسی، صلح و امنیت اکوواس در نشست روسای ارتش کشورهای عضو اکوواس در پایتخت غنا گفت که تاریخ دقیق آغاز مداخله نظامی از سوی نیروهای نظامی اکوواس در نیجر مشخص شده است، اما در حال حاضر این تاریخ اعلام نخواهد شد.

رسانه‌های بین‌المللی گزارش دادند که جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا (اکوواس) که تحریم اقتصادی علیه دولت نظامی نیجر وضع کرده است، برای اقدام نظامی علیه این دولت عجله ندارند.  
 الجزیره گزارش داده که عبدالفتاح موسا، کمیسار امور سیاسی، صلح و امنیت اکوواس این تصمیم را یکشنبه‌شب، ۲۷ اگست، اعلام کرده است.  
 عبدالفتاح موسا خواستار ملاقات با رهبران نظامی نیجر در یک مکان جداگانه شده است.  
 وی افزوده است: «ما از شورای نظامی نیجر خواستیم محمد بازوم، رییس جمهور این کشور را به‌عنوان حسن نیت آزاد کند.» این مقام جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا همچنان از اخراج سفیر فرانسه در نیجر انتقاد کرده و گفته است که نظامیان حق بیرون راندن او از این کشور را نداشته‌اند.

## یک چرخبال نظامی امریکا با ۲۰ سرنشین در استرالیا سقوط کرد

رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که یک چرخبال نظامی ارتش امریکا هنگام انجام رزمایش در استرالیا سقوط کرده است.  
 بربنیاد گزارش خبرگزاری رویترز، این چرخبال بامداد یکشنبه، ۲۷ اگست، در سواحل شهر «داروین» در استرالیا سقوط کرده است.  
 این چرخبال حامل ۲۰ تنگ‌دار دریایی ارتش امریکا بود و هنگام انجام رزمایش نظامی مشترک سقوط کرده است. هرچند وزارت دفاع استرالیا ادعا کرده است که شماری از سرنشینان این چرخبال نجات داده شده‌اند، اما منابع به رسانه‌ها گفتند که هنوز شماری از سرنشینان آن چرخبال ناپدید هستند.  
 این در حالی است که ایالات متحده و استرالیا، در سال‌های اخیر همکاری‌های نظامی خود را در مواجهه با چین افزایش داده‌اند.  
 چهار سرباز استرالیایی در ماه گذشته میلادی نیز در جریان تمرینات بزرگ دوجانبه بر اثر سقوط هلیکوپتر آنان در سواحل کوئینزلند کشته شدند.

